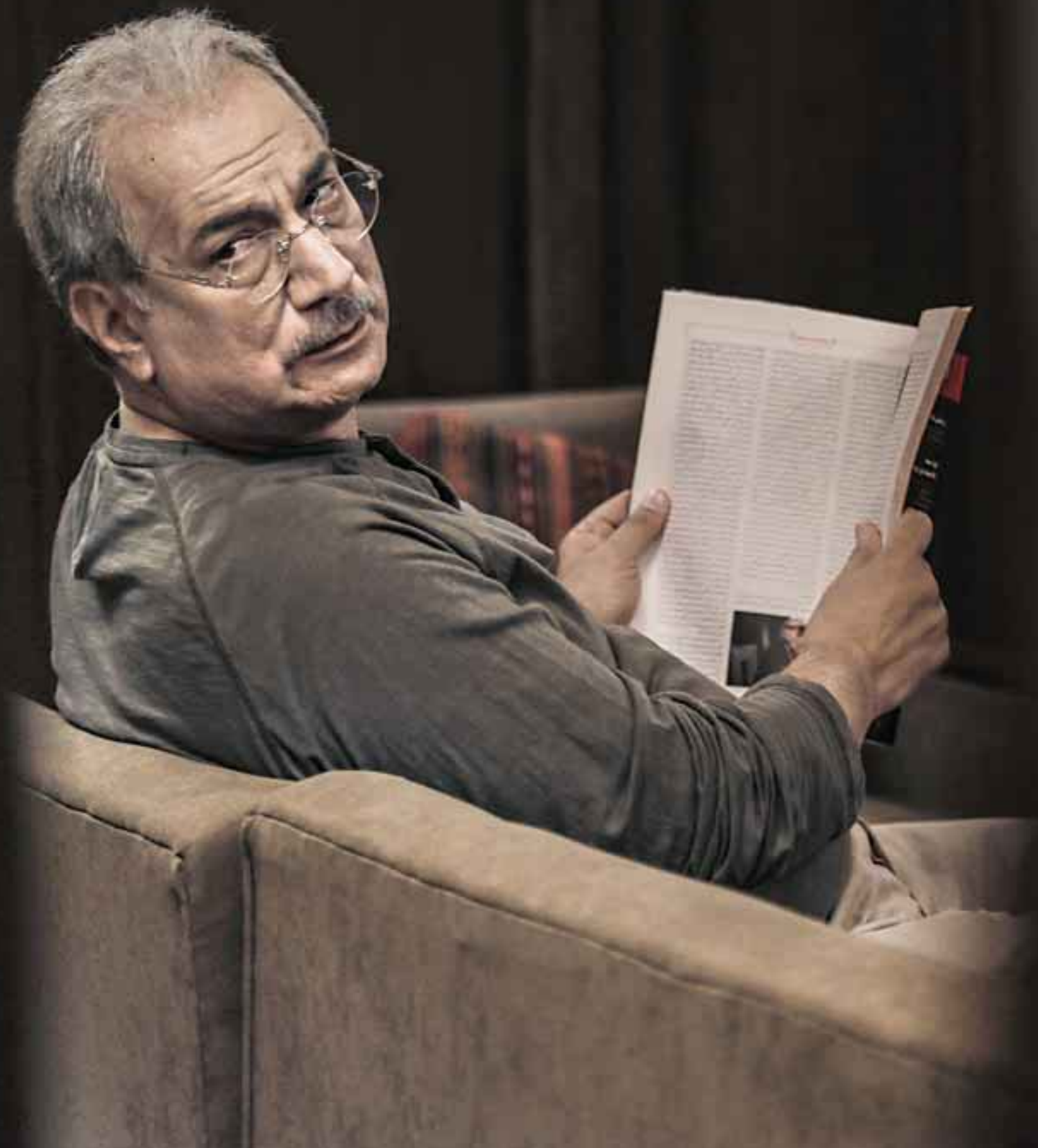


داستان یک «انقلاب زیبا»

ماجرایی که به انقلاب پیوند می خورد

صفحات ۸-۹



یک نسیم لبخند

مهدی غلامحیدری

یک: زنده‌یاد جلال آل‌احمد از جمله کسانی بود که اعتقاد داشت مردم در این زمانه دیگر فرصت ندارند مثل قدیم مخاطب بلند، کشدار و احتمالا خسته‌کننده باشند و به همین دلیل باید برایشان مختصر و مفید نوشت. در واقع اشاره او به «شتاب بر سر اصل موضوع رفتن بود تا اطاله بی‌مورد مطلب»؛ کاری که خودش در آن استاد بود و تقریباً تمام مطالبش این ویژگی یعنی «مختصر و مفید بودن» را داشتند. به همین دلیل حالا تصویری که از او نوشته‌هایش در ذهن بسیاری نقش می‌بندد، تصویر آدمی است که علاوه بر نکته‌سنجی بسیار، زمان‌سنجی قهار هم بود و فهمیده بود برای مخاطبی که در زمانه شتاب و سرعت قرار دارد و رسانه‌های مختلف نیز برایش شتاب افزوده‌اند، چاره کار این است که به گونه‌ای دیگر با این مخاطب مواجه شد. کوتاه‌نویسی و خلاصه کردن مطلب و تاکید بر بخش‌های مهم در کمترین مجال به او این امکان را داد که بابتی را در ادبیات معاصر این مرز و بوم دوباره بگشاید که سال‌ها به آن پرداخته نشده بود «گزیده‌گویی».



دو: شبکه نسیم با همین رویکرد - یعنی گزیده‌گویی - سرانجام افتتاح شد. اگر این شبکه بتواند با همین ریتم و آهنگ پیش برود، بسیار بیش از این به چشم خواهد آمد و خواهد درخشید. این که مخاطب این سال‌ها عجله دارد، حوصله ندارد، تمرکز کم شده، مشکل‌پسند شده و رسانه‌های خارجی با انواع و اقسام برنامه‌های اغواگرانه حواس او را نشانانه رفته‌اند، می‌تواند دلیلی باشد برای این که مدیران رسانه به فکر افتتاح چنین شبکه‌ای بیفتند که خیلی هم خوب است. حداقل حسن افتتاح چنین شبکه‌ای این است که در این فرآیند به حس تنوع‌طلبی مخاطب بها داده می‌شود. به او «لحظه‌هایی» هدیه می‌کند که در واقع «دستچین» شده از آثاری هستند که به هر دلیل عنوان جذابیت را یدک می‌کنند. شاید بزرگ‌ترین ویژگی این شبکه این است که می‌خواهد نقشی فراتر از یک شبکه معمولی داشته باشد. قرار نیست مخاطب مالل زده شود. جذابیت عنصر اصلی شبکه است و این می‌تواند رمز موفقیت شبکه‌ای باشد که قدم‌های آغازینش را خوب برداشته و آن‌طور که به نظر می‌رسد، برای آینده برنامه‌های مفصلی دارد.

سه: تلویزیون در این سال‌ها تلاش کرده توقعات بیننده را پاسخ دهد و برای این مهم البته راه‌های مختلفی را تجربه کرده است. به نظر می‌رسد افتتاح شبکه نسیم پاسخی باشد برای انبوه مخاطبانی که رسانه را بیشتر با مفهوم «سرگرمی و ساز و مفرح‌بودن» می‌شناسند که البته صادقانه باید گفت بخش زیادی از مخاطبان تلویزیون را این بخش از مردم جامعه تشکیل می‌دهند که فی‌نفسه چیز بدی نیست و اتفاقاً می‌تواند فرصتی باشد برای جذب هر چه بیشتر چنین مخاطبانی. به نظر می‌رسد در آینده بیشتر از این شبکه خواهیم شنید، زیرا ایده این شبکه حتی روی کاغذ هم هیجان‌انگیز است.

دوباره پر می‌گیری یا کریم



زده بود زیر آواز. با همان هیأتی که پیش‌تر در سریال رضا عطاران دیده بودیمش و البته خیلی پیرتر. چشم‌هایش را بسته بود و میکروفون را نزدیک دهانش گرفته بود و یک بند می‌خواند... دوباره پر می‌گیری یا کریم... جوونی رو دوباره سر می‌گیری یا کریم... غصه نخور یا کریم... حالا پسرش هم کنارش نشسته بود. همان که برای تست دادن برای سریال عطاران رفته بود و به جای او، این پیرمرد - پدرش - سراز عالم پرهیاهوی سینما و تلویزیون درآورده بود. احمد پورمخبر برای مخاطب این روزهای رسانه‌های تصویری ما شناخته شده است، خصوصاً برای آنها که اساساً به رسانه تلویزیون و سینما به‌عنوان یک سرگرمی و تفریح نگاه می‌کنند، نقش‌هایی که او بازی کرده شیرینی خاص خودش را دارد. گرچه این نقش‌ها به لحاظ جنس و نوع بازی خیلی باهم متفاوت نیستند و در واقع این موقعیت‌های فیلمنامه است که او را متفاوت به ما معرفی می‌کند. همان نقش‌هایی که مخاطب می‌تواند در بزنگاه‌هایی پورمخبر را در آن ببیند. دیدن او در یک برنامه زنده از شبکه جهانی جام‌جم برای خیلی‌ها جالب بود. پیرمرد با این که شکسته شده، ولی از موقعیتی که تقدیر آن هم در سال‌های پیری نصیب او کرد و وارد دنیای بازیگری شده، بدش نیامده و تلاش می‌کند با این دنیای غریب و حواشی بی‌شمار آن کنار بیاید.

مسابقه‌ای برای بازیگران آینده



شبکه نمایش قرار است مسابقه‌ای برگزار کند با نام مسابقه بیست که این روزها آنونس آن از شبکه‌های مختلف پخش می‌شود. این مسابقه در واقع قرار است محل رقابتی برای خیل علاقه‌مندانی باشد که به رشته بازیگری علاقه دارند و البته مکانی برای بروز آن نمی‌بایند. اگر این مسابقه همان‌طور که پیش‌بینی می‌شود با موفقیت برگزار شود، تلویزیون ملجأ کسانی می‌شود که به هنر بازیگری علاقه دارند، اما در دام واسطه‌هایی می‌افتند که از این اشتیاق سوءاستفاده می‌کنند و

آن را به ناکآباد می‌برند. همین الان اگر صفحه آگهی روزنامه‌ها را بخوانید با آگهی‌های خوش آب و رنگ و کاملاً نوید بخشی در این زمینه مواجه خواهید شد که از شما دعوت کرده تا بازیگر فلان سریال ماه رمضان باشید یا در همان فیلم سینمایی هنرنمایی کنید. فقط آنهایی که با روند ساخت آثار تلویزیونی و سینمایی آشنا هستند می‌دانند که چنین آگهی‌هایی فقط دامی بیش نیست که پشت آن نیت‌های غریبی پنهان است که قطعاً بازیگر شدن، جزو اولویت اول آنها نیست. اگر مسابقه بیست بتواند حتی به بخشی از اهداف خود هم برسد باز جای امید هست که بتواند مسیری را بگشاید که بازیگران آینده سینما و تلویزیون از یکی از اصولی‌ترین راه‌ها به جعبه جادو یا پرده نقره‌ای دست یابند. چنین اتفاقی خواهد افتاد.

کفش مخصوص هما



وقتی پشت صحنه سریال «پایتخت ۲» از تلویزیون پخش شد، زوایای دیگری از ساخت چنین کاری در زمان محدود روشن شد، این که چگونه محسن تنابنده پیش از آغاز تصویربرداری صحنه‌های کشتی روی تشک آمد و از جمع تماشاگران و پیشکسوتان حاضر در سالن عذرخواهی کرد و از آنها برای نقشی که در آن بازی می‌کرد، رخصت خواست، در واقع سوی دیگر بازیگری و احترام به نسل پیشکسوت ورزشکار را یادآور شد و این که

به هر حال ساخت یک اثر تصویری در قالب سریال با امکانات موجود چیزی جز یک اراده جمعی و احترام متقابل اصولاً ممکن نیست. حتی وقتی دوربین به صحنه معروفی که در روایتی نقی معمولی می‌گذشت و قرار بود او که حالا قهرمان شده و به خانه برگشته، در مواجهه با همسرش هما که بسیار از او بلندتر دیده می‌شد، سکه‌های دستش را به او بدهد و البته به او یادآوری کند که باز کفش پاشنه بلند پوشیده است. نمایش پشت صحنه نشان داد که ریما رامین‌فر، بازیگر نقش هما برای بازی در این صحنه احتمالاً چقدر سختی کشیده است. برای این سکانس و برای این که قد او بلندتر از نقی دیده شود و البته بتواند با این وضع بسادگی هم راه برود به کفش‌هایش آکاسیف بسته بودند تا هرچه بیشتر این صحنه طبیعی‌تر دیده شود. گرچه راه رفتن هما در این صحنه خیلی معلوم نیست، اما این موضوع را یادآور می‌شود که عالم بازیگری آن‌قدرها هم که مخاطب فکر می‌کند خالی از سختی نیست.

یک مستند دیدنی در تلویزیون



ظاهراً تلویزیون قصد دارد مستندهای خوب و جذاب تاریخی و اجتماعی کارگردانان داخلی را به آنتن پخش بسپارد و برای این کار هم برنامه‌ریزی‌های مفصلی انجام داده است. یکی از مستندهای جذابی که مدتی پیش از شبکه مستند پخش شد، مستند «سرگذشت یک بلدیه» بود که نگاهی تاریخی به روند شکل‌گیری بلدیه قزوین و اتفاقاتی که از سر گذرانده بود، داشت. از ایده اولیه چگونگی شکل‌گیری بلدیه تا انتخاب رئیس بلدیه و حضور نظامیان روس که باعث شدند تمام اسناد

موجود در این بلدیه از میان برود، همه و همه در یک مستند تاریخی که اتفاقاً مصالح تصویری بسیار خوبی داشت، به نمایش درآمد. نوع اجرای این مستند هم امروزی و قابل قبول بود و نشان می‌داد سازندگان برای این اثر حسابی وقت و انرژی گذاشته‌اند تا اثر پر و پیمانی را به مخاطب ارائه کنند. علاوه بر این، فیلم هوشمندانه تلاش می‌کرد تأثیر حضور یک بلدیه را در روند زندگی مردم یک شهر تا زمان کنونی به تصویر بکشد. این اثر در میان مستندهای تاریخی به نمایش درآمد ایرانی می‌تواند یک نمونه مثال‌زدنی و یک اتفاق خوب باشد. پخش مستندهایی از این دست می‌تواند بسیاری از مخاطبان پیگیر آثار مستندهای ناب را پای گیرنده‌های تلویزیون بنشانند.

تکیه بر جای بزرگان



حالا دیگر خیلی از بازیگران سینما، تئاتر و تلویزیون را در نقش‌های مختلفی پذیرفته‌ایم، حتی اگر آن نقش، نقش یک مجری باشد که اتفاقاً برای ذائقه تنوع‌پسند مخاطب هم اصلاً چیز بدی نیست. همچنان که در گذشته رامبد جوان، برزو ارجمند، سیامک انصاری، فرهاد جم، احمد نجفی و حتی مهران رجیبی را در هیأت مجری دیده بودیم، این روزها عده‌ای دیگر از اهالی سینما را در این هیأت می‌بینیم. بعد از لاله صبوری که اجرای یک برنامه

رادیویی را به عهده گرفته است، محمدحسین لطیفی هم در قامت یک مجری در یک برنامه سینمایی به نام سینما کران که از شبکه تهران پخش می‌شود، ظاهر شده و اتفاقاً در زمان کمی که از آغاز پخش این برنامه می‌گذرد توانسته در عالم رسانه‌های کشور مطرح شود. بجز او بهنوش بختیاری هم قصد دارد با برنامه‌های دیگر در شبکه نسیم بختش را در این زمینه امتحان کند. گرچه او پیشاپیش از این که می‌خواهد پا در کفش مجری‌ها بکند، عذر خواسته و دوباره حضورش در برنامه آبرنگ گفته: «آبرنگ» یک برنامه کاملاً شاد است و به دلیل این که این برنامه در جهت شادی مردم طراحی شده است، به‌طور استثنا قبول کردم آن را اجرا کنم؛ و گر نه من مجری نیستم و قصد هم ندارم، مجریگری را ادامه بدهم. ظاهراً باید از این به بعد شاهد حضور بیشتر مجریانی از این دست در تلویزیون و رادیو باشیم.

باز هم انیمیشنی به نام شکرستان



حالا دیگر کار شکرستان آن‌قدر بالا گرفته که هرروز خبر تازه‌ای از این انیمیشن جذاب و دیدنی ایرانی در گوشه و کنار می‌شنویم؛ از دیده شدن عروسک‌های این مجموعه در عروسک‌فروشی‌ها گرفته تا نوشت‌افزار آن، هر کدام جایگاه خود را بین مخاطبان باز کرده است. سازندگان این مجموعه بخوبی می‌دانسته‌اند که نیاز واقعی مخاطب انیمیشن چیست؟ بنابراین بیشترین اهتمام خود

را برای تصویر کردن یک دنیای خیالی شیرین که برای مخاطب ما هم بسیار آشناست، گذاشته‌اند و نتیجه هم البته به چیز دل‌انگیزی تبدیل شده که مخاطب یکسره با آن و دنیای آدم‌های آن احساس نزدیکی می‌کند. خبر رسیده که فروش محصولات شکرستان در نمایشگاه کتاب تهران، نسبت به سال ۹۲، ۳۷۲ درصد رشد داشته است. برای یک انیمیشن ایرانی این موفقیت کمی نیست که علاوه بر موفقیت خودش در مواجهه با مخاطب، بتواند محصولات جانبی‌اش را در این حجم ارائه کند. پیش از این محصولات محدود انیمیشنی ما توانسته بودند در فروشگاه‌ها عرضه شوند. به نظر می‌رسد انیمیشن‌های ایرانی آرام آرام با الگوبرداری از نمونه‌های خارجی قصد دارند، فرصت‌های دیگری برای مواجه شدن با مخاطب پدید آورند؛ مواجهه‌ای که گرچه به ظاهر نگاه اقتصادی بر آن غالب است، ولی واقعیت این است که بعد دیگر فرهنگ را می‌توان در آن رصد کرد.



این داستان

ادامه

دارد...

نگاهی به سری سازی
برنامه های تلویزیونی
و مجموعه های نمایشی

مجموعه های تلویزیونی

«سیمای خانواده» از شبکه یک که پس از سالیان متوالی پخش با اسمی واحد همچنان به کار خود ادامه داده و ساختار برنامه حفظ شده، اما آیتم های جدید به آن افزوده یا از آن کم شده است.

درباره این نوع برنامه ها بهتر است بگوییم که ساعات پخش تاثیر زیادی بر تعیین سری بودن یا نبودنشان دارد؛ چراکه به هر حال تلویزیون باید برنامه هایی روتین در صبحگاه و شبانگاه را به مخاطبان خود اختصاص دهد و با داشتن نگاهی کلی تر می توان برنامه های ظهرگاهی و عصرگاهی را هم به آن اضافه کرد.

سری سازی یا سری دوزی

سریال ها و مجموعه های تلویزیونی هم قابلیت های زیادی برای سری سازی دارند. با این تفاوت ها در ارتباط با برنامه های تلویزیونی اساسا می توان نقطه اتصالی بین سری های اول و دوم یا چندم پیدا نکرد، اما در مجموعه های تلویزیونی این مشخصه یک اصل و ضرورت است. همچنین لازم است سری های مختلف سریال ها با فاصله های زمانی حداقلی نسبت به هم ساخته شوند؛ چراکه ممکن است مخاطب در صورت فاصله افتادن بین سری اول و دوم خط سیر داستان را گم کرده و چیدن دوباره پازل قصه سری اول برای او دشوار شود.

آنچه سازندگان مجموعه های نمایشی را به فکر ساخت سری های بعدی کار ترغیب می کند، ترکیبی از دلایل مختلف است که مشابهت هایی نسبی با دلایل ادامه یافتن برنامه های تلویزیونی دارد. مجموعه های نمایشی به دلایل زیر می توانند به ورطه سری شدن بیفتند. البته به کار بردن واژه ورطه در اینجا بار معنایی منفی ندارد، بلکه نشان از یک آسیب احتمالی است که در صورت رعایت نکردن المان های استاندارد آثار نمایشی را تهدید می کند. علت های ادامه یافتن مجموعه ها به شرح زیر است:

داستان های سریال شاخ و برگ های زیادی داشته باشند یا ظرفیت هایی اساسی در قصه برای شاخ و برگ دادن احساس شود. ممکن است این عامل را دوری از یکدستی و انسجام داستانی تصور کنید، اما این طور نیست. بلکه داشتن یک داستان کلی و اضافه شدن شخصیت ها و داستانک های فرعی به کار برای بیننده تلویزیون جذابیت دارد. همچنین پرکاراگر بودن یک سریال و نپرداختن به همه آنها در سری اول می تواند انگیزه های برای ساخت سری دوم آنها باشد.

دیده شدن و پرمخاطب بودن یک مجموعه که سازندگان آن پیش از تولید آن پیش بینی دقیقی از آن نداشته اند گاهی مدیران و مسئولان را به اعلام دستور تولید سری های بعدی آنها وامی دارد.

همچنین ممکن است نویسنده ای از همان ابتدا سری های دیگری را برای قصه خود در نظر گرفته باشد و ماجراهای داستان به گونه ای پیش برود که این مساله قابل توجه به نظر برسد. در اینجا پایان بندی سریال ها تاثیر زیادی بر ادامه یافتنشان در سری های دیگر دارد.

ماهیت قصه ها هم تاثیر زیادی بر سری سازی شان دارد. برای مثال داستان های تاریخی دارای این ظرفیت اند. از طرفی داستان هایی که در بازه های زمانی طولانی مدت روایت می شوند از این ظرفیت برخوردارند. قصه هایی را می توان نام برد که داستان زندگی یک شخصیت و تمام ماجراها و آدم های مرتبط با او را در طول سال های درازی از زندگی اش در برمی گیرد. نظیر آنچه اکنون با عنوان مجموعه «ستایش ۲» روی آنتن می بینیم.

این شیوه روایی هم می تواند استمرار داشته باشد و هم به صورت مقطعی بر زمان مشخصی از زندگی نقش تاکید صورت گیرد.

نکات بیشتری را هم می توان به این نوشتار افزود که طرح آن در این مجال نمی گنجد، اما در پایان لازم است به یک نکته اشاره کرد. این که «سری» در زبان انگلیسی به معنای مجموعه است و انگلیسی زبان ها سریال های خود را با این عنوان خطاب می کنند و لغت سیزن یا فصل برای آنان همان سری های دوم یا چندمی از سریال هاست که عموما تعداد قسمت های بسیار زیادی دارند و چه بسا توزیع یا پخش آنها سال ها به طول بینجامد.

تقویمی گویی مستلزم روی آنتن رفتن چنین برنامه هایی است. برای مثال فرارسیدن فصل گرما همراه با آغاز شدن تعطیلات تابستان خانواده های ایرانی را بیش از پیش به فکر گذران اوقات فراغت خود در بوستان های بزرگ و شناخته شده می اندازد که البته تعداد زیادی از آنها در این فصل اقدام به گردهمایی مردم کرده و برنامه هایی شاد و مفرح برایشان اجرا می کنند. همچنین برخی از آنها پخش تلویزیونی دارند.

سری سازی مناسبی

گذشته از این دو قالب برنامه سازی، ویژه برنامه ها نیز ظرفیت های مناسبی برای سری سازی دارند. برنامه «ماه عسل» که هر ساله در ماه مبارک رمضان روی آنتن شبکه سه سیمای می رود، از این جنس برنامه هاست. این برنامه در سری اول خود نگاه های مردم را به خود جلب کرده و از آن به بعد به عنوان پای ثابت سفره های مردم در این ماه مبارک شناخته شد. همین نکته بیانگر این است که چگونگی شروع یک برنامه و گام اول پخش آن اهمیت زیادی برای کشیده شدن به سری های متعدد را دارد. همچنین در سری اول خود قابلیت ها و ویژگی هایی را که می تواند آن را دنباله دار کند، عیان می سازد.

به این فهرست باید برنامه هایی را هم که چاره ای جز سری بودن آنها نیست، اضافه کرد. برنامه های زیادی به دلیل داشتن مخاطبان دائمی و همین طور ضروری بودن و پرداختن به موضوعات بنیادی و مهم همواره باید به این دسته بندی متعلق باشند. برنامه هایی مانند برنامه



برنامه «ماه عسل» که هر ساله در ماه مبارک رمضان روی آنتن می رود

درگیر شدن در حلقه جمعی مخاطبان و حس مشترک و آنی لذت از موسیقی همراه با جمع کنیری از مخاطبان دیگر را می پسندند و دوست دارند مورد خطاب واقع شوند و مخاطب باشند نه یک شنونده منفعل. با در نظر گرفتن این موقعیت می توان گفت که در مسابقات تلویزیونی که به صورت جمعی برگزار می شوند نیز اتفاق مشابهی رخ می دهد. هر یک از اعضای گروه های شرکت کننده تمایل دارند تا سهم خود را برای برگزیده شدن ادا کنند. همه شان سهمی مساوی از برد و باخت دارند و تجربه تقسیم احساسات و حالات عاطفی برایشان پذیرفتنی تر است. از سوی دیگر ژانر مسابقه های تلویزیونی می تواند با توجه و تاکید بر ساختار محتوایی و گرافیکی در جلب بهتر مخاطبان نیز موثر افتد. از این رو برخورداری از تم های گرافیکی یکدست، رنگ های متنوع و شاد، آیتم های زیاد، اما کوتاه، رعایت اختصار در ویژگی های فرمیک و مسائلی نظیر این کار برنامه ساز را ارتقا می دهد.

از مسابقه های تلویزیونی که گذر کنیم، جنگ ها را هم باید از جمله برنامه هایی دانست که قابلیت زیادی برای ادامه یافتن در سری های دیگر دارند. جنگ ها به دلیل بهره مندی از فضایی شاد، سرگرم کننده و عموما اجرا پیش چشم تماشاگران می توانند در مدت زمانی طولانی به پخش برسند. در عین حال که آیتم های ثابتی برای آنان تعریف شده باشد و همچنین در هر برنامه برای ایجاد تنوع بخش های جدیدی به آنها اضافه شود. از طرف دیگر بعضی از مقاطع خاص و مناسبیت های

رکسانا قهرایی

بدون شک ساخت سری دوم یا چندمی از برنامه ها یا آثار نمایشی تلویزیون را باید مورد استقبال واقع شدن و موفقیت عملکرد سری های نخست آن در جذب مخاطب دانست. این اتفاق در رابطه با برنامه های تلویزیونی و سریال ها به نحو متفاوتی می افتد. در این نوشتار به دلایلی اشاره می کنیم که برنامه سازان را به ساخت سری های بعدی یک اثر تلویزیونی ترغیب می کند. به نظر می رسد آنچه در خصوص برنامه های تلویزیونی بیش از پیش از همه، برنامه سازان را به فکر ساخت سری های بعدی وامی دارد یا اساسا آنها را از ابتدای کار خود به این سمت و سو می کشاند، طرح و بن مایه ای است که برای کار خود طراحی و تدوین کرده اند. از این رو برنامه های تلویزیونی گذشته از محتوایی که دنبال می کنند، می توانند قابلیت و ظرفیت چند پاره شدن یا ادامه یافتن در سری های دیگری را هم داشته باشند. برای مثال مسابقه ها و جنگ ها را می توان به این دسته بندی متعلق دانست. مسابقه های تلویزیونی بویژه اگر دارای مراحل مختلف و متعدد باشند و همچنین اگر شرکت کنندگان زیادی را درگیر پروسه اجرایی خود سازند، می توانند به سری های بعدی هم کشیده شوند. از طرف دیگر معمولا ماهیت این گونه برنامه ها جذابیت دارد و با هدف سرگرم سازی مخاطب روی آنتن می رود. بنابراین ظرفیت بالقوه ای را برای جلب توجه او و حفظ همراهی اش در طول پخش دارند. از طرف دیگر اگر این برنامه ها در کنار سرگرم سازی بینندگان بتوانند به افزایش اطلاعات عمومی آنها، درک شان از موضوعی خاص و مواجه ساختن شان با موقعیت هایی تجربه نشده یا کمتر تجربه شده کمک کنند، موفقیت شان تا حد زیادی تضمین شده ارزیابی می شود.

همچنین مسابقه های تلویزیونی به دلیل ایجاد فضایی رقابتی و پویا رفته رفته دیده می شوند و درخواست های زیادی برای حضور فعالانه شرکت کنندگان دریافت می کنند. این مسابقات اگر از جنس گروهی هم باشند، جذابیت های خاصی دارند؛ چراکه صرف اندیشیدن به همکاری با عده ای دیگر که از شرایط مشابه و موقعیتی برابر در جایگاه مسابقه برخوردارند، برای شرکت کننده خواستنی و دلچسب است. برای تأیید این مدعا می توان به تفاوت گوش دادن موسیقی از دریچه رادیو و از دریچه ضبط صوت اشاره کرد و این پرسش را مطرح کرد که با وجود این که مخاطبان می توانند موسیقی دلخواه خود را به صورت انتخابی گوش دهند، چرا باز هم تمایل دارند موسیقی های تصادفی در حال پخش رادیو را بشنوند. برای این پرسش می توان گفت آنان دلیل دیگری را جز

به بهانه دوازدهمین اجلاس فناوری و رسانه

رسانه ملی و فناوری رسانه‌ای



به این موضوع پرداخت و با اشاره به محدودیت‌های مالی و مشکلات پیش روی سازمان بیان کرد: در این شرایط توانستیم با همت و تدبیر و یافتن راهکارهایی خاص، جریان انتشار تلویزیون دیجیتال را پیش ببریم و امروز به میزان ۸۳ درصد سیگنال‌رسانی زمینی داشته باشیم. عسکری در بخش دیگری از سخنان خود به ساخت و پرتاب ماهواره به نقطه ۲۶ درجه شرقی اشاره کرد و گفت: با این کار توانستیم هم نقطه مداری را حفظ کنیم و هم با زحمات دوستان و همکاران و عنایات خدای متعال، ماهواره مشارکتی را پیگیری کنیم که این ماهواره ساخته شود و روز حادثه به کمک ما بیاید و چه فشارهایی آوردند که آن را قطع کنند، اما ما با مذاکره و رایزنی توانستیم آن را حفظ کنیم، تا امروز که از تحریم عبور کردیم و آن را ادامه داده‌ایم.

معاون توسعه و فناوری با اشاره به این که در سیگنال‌رسانی نیز سازمان بر بستر فیبر نوری قرار گرفته، بیان کرد: حدود ۴۳ استودیوی رادیویی جدید ساخته و راه‌اندازی و ۱۶۰ استودیوی قبلی به دیجیتال تبدیل شد. همچنین ۴۳ استودیوی دیجیتال با کیفیت تلویزیونی در سال‌های اخیر ساخته و تجهیز شد و بقیه ۱۳۹ استودیوی آنالوگ نیز به دیجیتال تبدیل شده است.

عسکری با بیان این که ۱۴ شبکه جدید رادیویی را که همگی به زیر ساخت نیاز داشت، راه‌اندازی کردیم، تصریح کرد: از این تعداد ۱۱ شبکه رادیویی فقط در تهران اضافه شد و امروز ۱۹ شبکه رادیویی مستقل در تهران داریم و حدود ۱۸ شبکه فراملی، ملی و استانی راه‌اندازی شده است.

از آنجا که رسانه ملی بیشتر به عنوان یک نهاد فرهنگی تعریف و تصور می‌شود، توجه و اهتمام به ابعاد فنی-تکنیکی آن در رسانه‌ها مهجور مانده و جا دارد رسانه‌های مکتوب و خبرگزاری‌ها در نقد و بررسی عملکرد تلویزیون به بعد فنی و تکنولوژی رسانه‌ای نیز توجه کنند، ضمن این که از سوی دیگر خود رسانه ملی باید زمینه همکاری متخصصان آئی تی یا مهندسان الکترونیک را فراهم کند تا از دانش و دستاوردهای علمی آن در توسعه شبکه‌های رسانه‌ای و ارتقای کیفی آنها استفاده کنند. برگزاری این همایش‌ها نیز فرصت مناسبی است تا استعدادها و ظرفیت‌های انسانی در این حوزه شناسایی شود و با معرفی آنها به برنامه‌سازان یا مدیران رسانه‌ای از تخصص آنها به منظور پیوند و جوش فنی با سویه محتوایی برنامه‌ها بهره‌وری لازم صورت بگیرد.

منطق رشد فنی در حوزه رسانه را می‌توان این طور جمع‌بندی کرد که رسانه باید پیام را توجیه کند؛ به این معنی که رسانه باید به اندازه اهمیت و منزلت پیام رشد کند. وقتی قرار است صدا و سیما یک دانشگاه عمومی باشد، باید دانشگاهی به وسعت جغرافیای ایران فراهم کرد تا همه ایرانیان به عنوان دانش‌آموزان این مدرسه بزرگ ثبت‌نام شوند. در جهان رسانه‌ای شده امروز، عدالت رسانه‌ای همان عدالت اجتماعی است و توزیع عادلانه اطلاعات بدون توسعه و گسترش فن‌آوری‌های رسانه‌ای میسر نخواهد شد.

شرایط کنونی را مورد توجه قرار داده و به لطف الهی با کوچک‌ترین اشکال و بی‌توجهی همراه نبوده‌ایم و این امر نشان می‌دهد وجدان کاری و اخلاص مورد نیاز مدیریت جهادی، بر مدیریت فناوری و رسانه جاری است.

به گفته وی امروز در جایگاه خوبی قرار داریم و اگر هر یک از اقدامات کنونی انجام نمی‌شد، آنگاه متوجه اشکالات و کمبودها می‌بودیم؛ مجموعه فعالیت‌های سازمان، ما را در مقابل تهدیدات ماهواره‌ای و رسانه‌ای بیمه کرده است.

قائم‌مقام سازمان صدا و سیما با اشاره به اتفاق بزرگی که در حوزه تولید محتوا صورت گرفته، گفت: اثرات فرهنگی این موضوع و نیز دیجیتال‌سازی - که بیش از ۸۰ درصد جمعیت کشور را زیر پوشش قرار داده - کاملاً مشهود است.

برای استقلال رسانه‌ای و بیمه رسانه ملی از تهدیدات شبکه‌های جهانی، بدون شک گسترش و نوآوری فناوری رسانه‌ای نقش مهمی دارد و باید بتوانیم هرچه سریع‌تر در این زمینه به خودکفایی ملی برسیم. موسوی مقدم در این اجلاس اعلام کرد: ۸۰ درصد تجهیزات فنی مورد

نیاز سازمان صدا و سیما در داخل کشور تامین شده و به ۳۰ کشور نیز خدمات فناوری صادر می‌شود؛ اینها اقدامات بزرگی است که به همت مدیران و مهندسان سازمان صدا و سیما انجام شده و نشان می‌دهد با وجود همه مشکلات و تحریم‌ها جزو کشورهای پیشرفته از نظر تجهیزات فنی رسانه‌ای قرار گرفته‌ایم.

معاون توسعه و فناوری رسانه ملی نیز از ابعاد جزئی‌تر

نمی‌توان زیست را تامین می‌کند؛ پس توسعه و به روز شدن امکانات فنی در حوزه رسانه به عنوان یکی از شاخص‌های مهم در توسعه زیرساخت‌های ارتباطی جوامع معاصر و اهرمی برای رشد و پیشرفت اجتماعی تعریف می‌شود.

به همان اندازه که کیفیت محتوای برنامه‌های رسانه ملی مهم است، این که مثلاً تصاویر شبکه‌ها را با کیفیت تصویری بالا دریافت کنیم یا امکان ارسال امواج رسانه‌ای در نقاط کور کشور برای دریافت برنامه‌های شبکه‌های مختلف، به قدری اهمیت دارد که یکی از شاخص‌های مهم عدالت اجتماعی شناخته می‌شود.

امروز این وظیفه دولت‌هاست که با فراهم کردن امکان دسترسی شهروندان به اطلاعات مورد نیاز آنان، توزیع عادلانه اطلاعات را تضمین کنند. به عبارت دیگر، توسعه فناوری‌های اطلاعاتی اقدامی عملی در جهت تحقق عدالت اجتماعی است و رسانه ملی به موازات توسعه کمی و کیفی برنامه‌های خود باید در این جهت نیز سیاستگذاری موثری داشته باشد.

خوشبختانه در دوازدهمین اجلاس سراسری فناوری و رسانه - که هفته گذشته در تهران برگزار شد - خبرهای امیدوارکننده‌ای از دستاوردهای رسانه ملی در زمینه توسعه فناوری بیان شد که نشان می‌دهد ما در زمینه توسعه فنی رسانه‌ای گام‌های بلندی برداشته‌ایم. حجت‌الاسلام موسوی مقدم قائم‌مقام سازمان صدا و سیما در این همایش گفت سیگنال‌رسانی و حساسیت بالای آن در

سیدرضا صانمی

همه ما وقتی نام رسانه ملی را می‌شنویم، برنامه‌های تلویزیونی را در ذهن تداعی می‌کنیم، نه خود تلویزیون را به عنوان یک وسیله تکنولوژی!

درواقع سویه نرم‌افزاری آن برای ما بیشتر اولویت دارد تا وجوه سخت‌افزاری‌اش! با این حال وقتی می‌خواهیم تلویزیون بخریم سعی می‌کنیم به آخرین مدل موجود در بازار توجه کرده و دستگاهی انتخاب کنیم که از حیث فنی و تکنیکی به‌روز و کارآمد باشد. همین دغدغه برای مدیران رسانه ملی در توسعه شبکه‌های تلویزیونی نیز وجود دارد.

از منظر آنها، توسعه رسانه‌ای صرفاً در تولیدات محتوایی و کیفیت آنها نیست اگر چه اهمیت آن به عنوان هدف غایی فعالیت‌های رسانه‌ای غیرقابل انکار است.

اگر یادمان نرفته باشد، کمتر از دو دهه قبل فقط دو شبکه تلویزیونی داشتیم که تازه شبکه دو همه جای ایران قابل دریافت نبود، اما اکنون توسعه فناوریانه رسانه ملی به جایی رسیده که مخاطب می‌تواند با گوشی تلفن همراه خود نیز برنامه‌های تلویزیونی را رصد کند و هر سال بر تعداد شبکه‌های رادیو تلویزیونی ما افزوده می‌شود.

واقعیت این که در جهان رسانه‌ای شده امروز، رسانه صرفاً برای سرگرمی و اوقات فراغت نیست و نیازهای اطلاعاتی - ارتباطی شهروندان را که در تار و پود ساختار و نظام اجتماعی - اقتصادی تنیده شده و بدون وجود اطلاعات

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده نوبت دوم

شرکت تعاونی مسکن ابودر

دستور جلسه:

- ۱- استماع گزارش مشترک هیأت مدیره و بازرس تعاونی در خصوص وضعیت فعلی تعاونی
- ۲- اتخاذ تصمیم در خصوص انحلال تعاونی
- ۳- انتخاب ۳ نفر به عنوان هیأت تسویه و ۲ نفر به عنوان ناظر
- ۴- تعیین محل و مدت تسویه

زمان و محل مجمع:

ساعت ۱۰ صبح الی ۱۲ روز یکشنبه ۱۳۹۳/۰۳/۱۱

در محل شرکت به نشانی: سیدخندان، خیابان شهید کابلی میدان محمدیه، مسجد محمدیه

مقام دعوت کننده: هیأت مدیره تعاونی مسکن

خرید ویژه خودروهای فرسوده

مرکز اسطوخودوس پیمان (۱۷۱۸)

سواری و وانت

۲/۹۰۰/۰۰۰ - ۲/۴۰۰/۰۰۰ - ۳/۴۰۰/۰۰۰ تومان

انتقال رایگان خودرو ۸- ۴۴۹۸۶۷۴۵

واردکننده مستقیم خودرو Diacar

مجموعه جدید خودروهای فول آپشن سمارتی

۱- اسپورتنج New Era سمبله

۲- نوسان طرح سمبله، چراغ جدید

تلفن تماس ۸۷۱۹۴

تعدادی دستگاه تولید

آب معدنی، نوشابه و ماءالشعیر خارجی موجود است

۰۹۱۲۱۲۶۸۱۳۲

املاک سادات

سهیلویه - خیابان درختی - لشکرآباد - ۳۵۰ متر ویلا با ۳۵۰ متر بنا ۶۰۰ متر سرپایدار ۸۰۰ متر گلخانه و باغی

محوطه سازی آلچوق و استخر با کلبه امکانات رفاهی

۰۲۶۲-۴۴۵۳۲۴۵ و ۰۹۳۵۳۳۳۳۳۳۳

پرتیراترین روزنامه کشور

سازمان آگهی‌ها: ۰۲۱-۸۸۶۷۴۲۸۵-۹

دفاتر پستی: ۰۲۱-۸۸۳۳۳۳۳۳-۳۷

۰۲۱-۲۲۳۳۷۶۳۰-۳۳

www.jamejamonline.ir

۱۸۸۳



روایت دوباره قصه‌های آپارتمانی

مریم رها

مجموعه تلویزیونی «قهر و آشتی» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی علی ژکان پس از سه سال انتظار عوامل این سریال، سرانجام از ششم اردیبهشت امسال روی آنتن شبکه اول سیما رفت.

این سریال که به سفارش گروه اجتماعی شبکه یک در اوایل بهار ۹۰ در مجتمع مسکونی در شهرک فجر تهران کلید خورده بود و تصویربرداری آن تا اواخر تابستان ۹۱ نیز ادامه داشت در حالی دو سال در دل آرزوی پخش از این شبکه را داشت که مدت‌هاست مجموعه تکراری کارآگاهان پلیس در باکس این شبکه قرار گرفته است.

این مجموعه که به صورت روتین از شنبه تا چهارشنبه روی آنتن می‌رود، ساختاری اپیزودیک دارد و به مسائل روز جامعه و معضلاتی می‌پردازد که به نوعی زمینه اختلافات و مشاجرات خانوادگی و گاهی هم باعث جدایی زوج‌ها از یکدیگر می‌شود.

قهر و آشتی در هر اپیزود این مسائل را درون یک خانواده یا مابین دو خانواده جلوی قاب دوربین می‌برد. به این شکل که در خانواده اشکان با بازی افشارزاده، پوررضا و کاویان یک داستان روایت می‌شود و در خانواده دیگر با بازی بیوک میرزایی و مهوش وقاری داستانی دیگر.

در این اپیزودها مضامینی همچون فرهنگ آپارتمان‌نشینی، خانواده، مسائل اجتماعی، حقوق همسایه، مشکلات عاطفی و زناشویی دستمایه فیلمنامه‌نویسان آن سعید خواجه‌افضلی و دیگر اعضای گروه نویسندگان این سریال از جمله باقر سروش، نوشین تبریزی و... قرار گرفته است.

داستان پایه قهر و آشتی از این قرار است که اشکان جاوید، مهندس معمار چهل و دو ساله ساختمان همراه با الهام شایسته، مدیر شرکت آشیان بر تعمیرات خانه نظارت دارند. الهام و اشکان که بتازگی به عقد هم درآمده‌اند، تصمیم دارند بعد از کار تعمیرات، مراسم عروسی خود را برگزار کنند.

الهام ۲۰ سال پیش بعد از به هم خوردن قرار ازدواجش با اشکان با شخص دیگری ازدواج می‌کند، ولی همسرش دو سال بعد از ازدواج بر اثر حادثه رانندگی فوت می‌کند. حالا الهام با دختر نوزده ساله و مادرش زندگی می‌کند و با بازگشت اشکان قصد ازدواج دوباره با وی را دارد، اما مشکلات رهایشان نمی‌کند و مجبور می‌شوند برای معالجه اشکان برای مدتی به خارج از کشور سفر کنند.

به بهانه خانواده اشکان، زن و شوهری که مستخدم آپارتمان هستند، معرفی می‌شوند و این زوج خط ربطی یا شاید بتوان گفت وصله‌پینه بین اپیزودها می‌شوند.

این سریال که با بازیگرانی مثل داریوش ارجمند،

سعید پیردوست، مهشید افشارزاده، بیوک میرزایی، فلور نظری و... جلوی دوربین رفته است و سری دیگری از سریال‌های آپارتمانی است، جنبه‌ای آموزشی دارد و تماشای هر قسمت از آن مانند تورق کتاب‌های اخلاق فردی و اجتماعی است تا هنجارها و ناهنجاری‌های اجتماعی را به مخاطب یادآوری نموده و او را امر به معروف و نهی از منکر کند. همان طور که از اسم اپیزودها قابل دریافت است، هر قسمت به یکی از این مسائل اجتماعی و خانوادگی می‌پردازد.

اما در بعضی از قسمت‌ها جنبه ارزشی اثر به جنبه هنری و سرگرم‌کننده آن غلبه پیدا می‌کند و به همین دلیل ممکن است از جذابیت کمتری برخوردار باشد؛ چرا که مستقیماً و صرفاً به آموزش یک هنجار مطوف می‌پردازد. نمی‌توان انکار کرد آموزش مستقیم عموماً موجب ایجاد دافعه در بیننده می‌شود و نتیجه عکس به همراه دارد.

سطح کیفی و هنری این اپیزودها هم یکسان و ممکن است همان اندازه که بعضی از اپیزودها برای مخاطب دلنشین است، برخی دیگر از اپیزودها ضعیف و سطحی از آب درآمده است.

اگرچه همین جا باید گفت سطح کیفی قسمت‌های مختلف را نه تنها وجه آموزشی که وجه هنری آنها تحت تاثیر قرار می‌دهد.

به عنوان مثال، اپیزود پزعالی از همه المان‌های یک اثر خوب برخوردار است. اوج و فروودها و کشمکش داستانی در متن مورد توجه قرار گرفته شده و بازیگران این اپیزود بازی‌های روان و پاس‌های حسی خوبی با هم دارند. آنها وضعیت خود را درست دریافت کرده و به نمایش می‌گذارند. اما در اپیزودی که سعید پیردوست و شپین تسلیمی بازی می‌کنند، نه خبری از هنر نویسندگی است و نه اثری از هنر بازیگری دیده می‌شود. در این اپیزود، داستان زن و شوهری روایت می‌شود که ۱۴ سال پیش شخصی به نام آقا رسول حق آنها را خورده است و با سختی و تلاش فراوان گذران عمر می‌کنند. اکنون رسول نادم و پشیمان دچار بیماری لاعلاجی شده و بازگشته است تا حق آنها را بازگرداند و حلالیت بطلید. در این اپیزود همه داستان به رشته کلام درآمده و خبری از موقعیت دراماتیک نیست. در واقع چیزی برای خلق موقعیت وجود ندارد و همه چیز با دیالوگ ادا می‌شود. آن هم به این شکل ابتدایی که زن مدام گریه و زاری به راه می‌اندازد و از شوهرش می‌خواهد شخص توبه‌کار را به خانه راه ندهد، با این که نسبت به این موضوع آگاه است که رسول قصد دارد جبران خسارت کند و این موضوع به بهبود شرایط زندگی آنها منجر می‌شود.

در این اپیزودها که گاه باورپذیری آن سخت به نظر می‌رسد، مدام شخصیت‌ها در محیط خانه جابه‌جا شده

و با حرف‌های تکراری که کمکی به پیشبرد داستان نمی‌کند، به جان هم می‌افتند. روایت مستقیم یک حادثه، گاه این خطر را به همراه دارد که نویسنده برای جذابتر شدن این روایت و ایجاد اوج و فروودهای کاذب، به لفاظی و زیاده‌گویی‌هایی چنگ بیندازد که از جنس ادبیات شخصیت‌های داستان نیست. داریوش ارجمند، بازیگر حرفه‌ای و محبوب سریال‌های تلویزیونی در نقش رسول که مردی حرام‌خوار است، ادبیاتی دارد که گویی استاد معرفت و معلم اخلاق است.

یکی دیگر از ایرادهایی که در بیشتر اپیزودها به چشم می‌خورد سطح بازی بازیگران است. گاه در مقابل بازی ضعیف یک شخصیت، قدرت بازی شخص مقابل او دوچندان می‌نماید و چون واکنش حسی شخصیت مقابل بسیار بیشتر از حس بازیگر شخصیت اول است، به گونه‌ای که واکنش او باورپذیر نیست و چنین به نظر می‌رسد که این دو هرگز مقابل یکدیگر بازی نکرده‌اند و هر کدام در یک قاب تک‌نفره دیالوگ‌های خود را گفته و رفته‌اند.

در تدوین این اثر نیز کات‌های عجولانه و گاه پرش‌های تصویری به وضوح دیده می‌شود که اوج آن در اپیزود آداب معاشرت است و تداوم آن خاطر بیننده را مخدوش می‌کند.

مورد دیگری که در این مجموعه از نگاه نویسنده و کارگردان دور مانده، توجه به شرایط مالی مجموعه افرادی است که در این آپارتمان گنجانده شده است. اشکان و همسرش الهام که هر دو از قشر مرفه هستند، در این آپارتمان زندگی می‌کنند، همین طور بیوک میرزایی که توسط همسایه پایینی میلیون‌تلفی می‌شود. اما همین همسایه پایینی از قشر متوسط و کارمندی اجتماع است که همسرش برای گذران زندگی خیطی می‌کند. از طرفی، خانواده سعید پیردوست که از مشکلات مالی در رنج و عذابند و مدام به این موضوع اشاره می‌کنند نیز ساکن همین آپارتمان هستند. گردآوری این اقشار در یک آپارتمان، چندان معقول به نظر نمی‌آید و نوعی ناهماهنگی در آن به چشم می‌خورد. این در حالی است که گردآوری این خانواده‌ها در یک آپارتمان موقعیت ویژه‌ای را نساخته و تاثیر چندانی هم بر روند داستان و خلق موقعیت‌های تازه ندارد.

در حالی که اگر هر کدام از این خانواده‌ها در یک آپارتمان جداگانه و در مناطق مختلف شهر زندگی می‌کردند، هیچ‌گونه خدشه‌ای به کار وارد نمی‌آمد، حتی می‌توانست ساختار بهتر و منسجم‌تری هم به دست دهد.

در مجموع، این سریال خارج از وجه آموزشی و ارزشی آن که قابل تقدیر است، در کلیت از فضایی مشوش و مغشوش برخوردار است که نشان از ناهماهنگی گروه سازنده یا شرایط نامناسب تولید دارد.

ساختمان ۸۵:

سوزه جذاب وسوسه‌انگیز

محمد جلیوند

مجموعه‌های پلیسی سال‌هاست در شبکه‌های گوناگون تلویزیونی با بالاترین میزان مخاطب روبرو بوده و همواره بخش عمده‌ای از تولیدات سالانه شبکه‌های مذکور را تشکیل می‌دهند. در چنین حال و هوایی، مهدی فخیم‌زاده که تجربه درخشانی را در این باب با خواب و بیدار داشته، دست به ساخت مجموعه‌ای تلویزیونی به نام «ساختمان ۸۵» زد که این روزها شاهد بازپخش آن از شبکه آی‌فیلم هستیم. این کارگردان کهنه کار در ساختمان ۸۵ قصه‌ای معماگونه را برگزیده و شخصیت‌های متعدد و گاه عجیب و غریب خود را در دل آن تعریف کرده است.

بازپرس‌های ویژه قتل که به دلیل کار سخت و پیچیده‌شان زندگی پرماجرایی دارند و به همین دلیل، قابلیت حضور در مجموعه‌های تلویزیونی را دارند و می‌توانند در هر قسمت مخاطب را با خود همراه کنند. ساختمان ۸۵ با چنین ایده‌ای ساخته شده با این تفاوت که تنها به یک داستان دنباله‌دار پرداخته است. ایده پیدا شدن جسد در پارکینگ یک آپارتمان مسکونی - که نویسنده آن را از صفحه حوادث روزنامه پیدا کرده - در وهله اول بسیار جذاب و وسوسه‌کننده است اما داستان کشش یک مجموعه بیست و شش قسمتی را نداشته یا حداقل سازندگان فیلم تلاش کرده‌اند به داستانشان سمت و سوی جهتی بدهند که مانند ایده اولیه جذاب باشد.

شخصیت‌پردازی در این مجموعه به هیچ‌وجه در حد و اندازه کارهای پیشین فخیم‌زاده نیست و با مشکلات بسیاری دست به گریبان است. این امر اغلب شخصیت‌ها از اصلی تا فرعی را در بر گرفته و



کیفیت کار را تا حد زیادی پایین آورده است. در این میان فقط کاراکتر بازپرس قربانی تا حدودی خوب از کار درآمده و برخی ریزه‌کاری‌های آن بخوبی در یافت شخصیت فوق‌تر قرار گرفته است. ایده مجروح شدن پای او در جنگ تحویلی اشاره ظریفی به جانفشانی‌های دیروز و امروز او دارد، اما رابطه قربانی با دختر و بویژه پسرش آنچنان که باید از کار درنیامده و سردی خاصی بر آن حاکم است، به گونه‌ای که نمونه آن را به سختی می‌توان در جامعه مشاهده کرد. خبرنگار بودن پسر وی نیز به جای آن که به پیشبرد داستان کمک کند، عکس آن عمل کرده و تصویری غیرواقعی و غلو شده از این قشر زحمتکش ارائه کرده است.

شخصیت‌های فرعی‌تر نیز به صورت فله‌ای در داستان قرار گرفته‌اند و هیچ نقش برجسته‌ای (جز سه نفر شرکای ساختمان) در پیشرفت داستان ندارند و تنها زمان هر بخش را بالا می‌برند به عنوان مثال می‌توان به دو خواهری اشاره کرد که در یکی از واحدها زندگی می‌کنند. فقط شخصیت منفی سریال که فخیم‌زاده عهده‌دار ایفای آن است، تا اندازه‌ای خوب از کار درآمده و رگه‌های طنز به کار رفته در آن نیز از شخصیت بیرون زنده و طبیعی جلوه می‌کند. مجموعه تلویزیونی ساختمان ۸۵ با وجود نقاط مثبتش نمی‌تواند کاری قابل قبول برای فیلمسازهای همچون فخیم‌زاده باشد چرا که عیار کارگردانی وی بالاتر از این است.

باید‌ها و نباید‌های طنزهای غیر سریالی

احسان رحیم‌زاده

با افتتاح شبکه نسیم، خط تولید طنزهای آیتمی راه می‌افتد و ساخت این گونه محصولات پس از چند سال رکود، رونق می‌گیرد. این شبکه تا قبل از افتتاح رسمی به سراغ سریال‌های خاطره‌انگیز می‌رفت و سکانس‌های برتر این کارها را در قالب چند دقیقه نمایش می‌داد. سکانس‌ها به گونه‌ای گزینش می‌شد که مخاطبان ناآشنا با سریال هم می‌توانستند از نمایش آن بهره ببرند. به عبارت دیگر سکانس‌هایی انتخاب می‌شد که خودشان به تنهایی قصه‌ای مستقل را روایت می‌کرد و فهم آن قصه، مستلزم اطلاع یافتن از جزئیات قسمت‌های پیشین سریال نبود. شبکه نسیم همچنین به سراغ مجموعه‌هایی چون «مثل اباد» و «بازم مدرسه‌ام دیر شد» رفت و قطعاً نمایشی از این مجموعه‌ها را روانه آنتن کرد. از این پس که برنامه‌های جدید شبکه نسیم وارد میدان نمایش می‌شود، با طنزهایی مواجه خواهیم شد که مختص این شبکه تولید شده است و تکراری نیست. قبل از شروع مطلب بهتر است به دنبال واژه‌های فارسی به جای اصطلاح لاتین - عربی طنز آیتمی بگردیم. فرهنگستان زبان و ادب فارسی هنوز واژه مناسبی برای این اصطلاح پیشنهاد نکرده است. تا اطلاع ثانوی می‌توانیم از اصطلاحاتی چون طنزهای کوتاه، طنزهای غیرسریالی و کارهای طنز موضوعی استفاده کنیم؛ هرچند طنز آیتمی نزد مردم و منتقدان کاربرد زیادی دارد و مفهوم را بهتر منتقل می‌کند.

طنزهای ثابت و متغیر غیر سریالی در ۲ قالب

منظور از کمدی‌های آیتمی کارهای طنزی است که به صورت سریالی و دنباله‌دار روایت نمی‌شود و در زمانی کوتاه در حد حداکثر ده دقیقه ماجرای بامزه را روایت می‌کند. با تمام شدن یک بخش، پرونده آن موضوع به اتمام می‌رسد و مخاطب در انتظار ادامه داستان نمی‌ماند؛ البته کارهای آیتمی را هم می‌توان در دو بخش دسته‌بندی کرد. آیتم‌سازان گاه موضوعات مشخصی را برای خودشان تعریف می‌کنند و در آن قالب و چارچوب مشخص دست به تولید می‌زنند. مثلاً در برنامه «خنده بازار» بخشی با عنوان بانک انتخاب شده بود که در آن تمامی طنزهای مرتبط با لوکیشن بانک به تصویر کشیده می‌شد. این طنزها شامل مواردی چون پایین آمدن ارزش ریالی، بی‌توجهی به درخواست‌های مراجعان و کاغذبازی برای اعطای وام بود. گاه نویسندگان موضوعاتی غیر مرتبط با بانک را هم در این قالب می‌گنجانند؛ یعنی طنزی درباره موضوعات اجتماعی و فرهنگی به ذهنشان می‌رسید و به این فکر می‌افتادند که قصه را در حضور آدم‌های داخل بانک اجرا کنند. در همین برنامه آیتمی‌های دیگری چون صف، زنگ انشا و اعمال قانون ساخته شد که هر کدام ماجرای جداگانه‌ای داشت. آیتم صف مردمی ایستاده را نشان می‌داد که یک کلاغ و ۴۰ کلاغ می‌کردند و به شایعات عجیب و غریب دامن می‌زدند. آیتمی‌های ثابت این چنینی به محتوای برنامه نظم می‌بخشد و کار گروه تولید را آسان می‌کند.

گروه تولید با آماده‌سازی دکور بانک و گریم بازیگران مربوط می‌تواند در طول یک روز تمامی بخش‌های مربوط به لوکیشن بانک را جلوی دوربین ببرد، اما از طرف دیگر مردمی که پای تلویزیون نشسته‌اند، با لوکیشنی تکراری مواجه می‌شوند و همین تکرار جذابیت برنامه را کاهش می‌دهد.

گروه دیگر کارهای آیتمی برنامه‌هایی است که ماجراها را در قالب بخش‌های آزاد روایت می‌کند. مهران مدیری در مجموعه طنز «نوروز ۷۲» از بخش‌های آزاد در ابعادی وسیع استفاده کرد و با بازخوردهای مثبت مخاطبان مواجه

شد. این بخش‌ها، موضوع ثابت و تعریف شده‌ای نداشت و در هر جایی ممکن بود اتفاق بیفتد. مثلاً در یکی از همین بخش‌ها، مردی را می‌دیدیم که با انگیزه و پشتکار فراوان در زیر باران مشغول شست و شوی خودرویش بود. این شست‌وشو در اشکال دیگر تکرار نمی‌شد و در همان یک قسمت به پایان می‌رسید، اما در کارنامه مهران مدیری هم طنزهای آیتمی ثابت دیده می‌شود. به عنوان مثال می‌توان به قسمت‌هایی از برنامه «بخشید شما» اشاره کرد که در آن پدری، پسرش را نزد یکی از دوستانش می‌برد و از او می‌خواست پسر را در رشته‌ای استخدام کند. فرد صاحب کار پسر را استعمار می‌کرد و به او مسئولیت اضافی و در عین حال بامزه می‌سپرد؛ مثلاً فردی که راننده تاکسی بود، از پسر جوابی کار می‌خواست همچون محورهای شیشه‌پاک‌کن این طرف و آن طرف برود و شیشه‌های ماشین را تمیز کند!

فرصتی برای مخاطبان عجول

طنزهای آیتمی چه ثابت و چه متغیر، طرفداران زیادی را به خود جذب می‌کنند. در مقطع زمانی‌ای که مردم با تنوع رسانه‌ها مواجه هستند و وقت زیادی را صرف یک رسانه خاص نمی‌کنند، با برنامه‌های کوتاه و چند دقیقه‌ای می‌توان مخاطب را راضی نگه داشت. این طنزها برای افرادی مناسب است که در مسیر بین تلویزیون و اتاق‌های دیگر مدام در رفت و آمد هستند. این گروه مخاطبان اگر بخواهند یک سریال طولانی را پیگیری کنند، خط اصلی قصه را گم می‌کنند و با مشکل مواجه می‌شوند، اما در مواجهه با کارهای آیتمی برای چند دقیقه‌ای گل لبخند بر لبانشان نقش می‌بندد. در بین برنامه‌های جدی «راديو هفت» از چنین روشی استفاده می‌کند. این برنامه با گنجاندن آیتمی‌های متنوع و کوتاه دربی صید آن دسته از مخاطبان است که در آخرین لحظات شب می‌خواهند صرفاً بخشی از وقتشان را با تلویزیون بگذرانند. مخاطب کم‌صبر و بی‌حوصله بخش‌هایی از این گونه برنامه‌ها را می‌بیند و اگر دوست داشت مدت زمان سکونت جلوی جعبه جادویی را تا چند دقیقه دیگر تمدید می‌کند. خلاصه‌گویی و کوتاه‌نویسی، هنری است که هر کسی از عهده‌اش بر نمی‌آید. یک نمایش طنز کوتاه باید همچون نمایش‌های بلند شروع و پایان و نقطه اوج داشته باشد.

تمامی اصول فیلمنامه‌نویسی باید در این کارهای چند دقیقه‌ای مورد توجه قرار بگیرد. آیتم طنز موفق آیتمی است که در همان چند دقیقه حرفش را بزند و لبخندی بر لب‌ها بیاورد و برود. نویسندگانی که داستانشان را دیر و با تاخیر شروع می‌کنند، نمی‌توانند آیتم‌نویسان موفق باشند؛ چون زمان مفید را از دست می‌دهند و کارشان به دقیقه ۹۰ کشیده می‌شود. بعضاً در دقیقه ۹۰ هم نمی‌توانند به موفقیتی دست پیدا کنند و طنز را بی‌حاصل به پایان می‌رسانند.

طنزهای آیتمی محصول دورانی است که همه کارهای روزمره با شتاب و عجله پیش می‌رود. در این دوران همه چیز خلاصه و فشرده شده تا در کوتاه‌ترین زمان مورد استفاده قرار گیرد؛ مثل ساندویچی که خلاصه یک سفره عریض و طولی را در خودش جا داده است و می‌تواند گرسنه عجولی را سیر کند. به همین دلیل است که در مطبوعات سردبیران از خبرنگاران می‌خواهند مطالب را هر چه می‌توانند جمع و جورتر بنویسند. در این دوران فیلمنامه‌نویسان هم ترجیح می‌دهند سراغ قصه‌هایی بروند که در مدت زمان کمتر قابل روایت باشند. در این میان نباید جایگاه سریال‌های بلند و طولانی را نادیده گرفت. درست است که طنزهای آیتمی مخاطبان قابل توجهی دارند، اما سریال‌های دنباله‌دار هم همچنان مخاطبان سنتی خودشان را حفظ کرده‌اند. در تلویزیون خودمان سریال‌های بسیاری همچون پایتخت و هوش سیاه در قسمت‌های طولانی ساخته شده و مخاطبان زیادی را جذب کرده‌اند. نکته مهم و اساسی این است که نویسنده ظرف و ساختار مورد نیاز برای محتوای قابل ارائه را پیدا کند. گاه لازم است که قصه‌ای در ده دقیقه روایت شود و گاه نویسنده‌ای نیاز به مدت زمانی چندساعته برای داستان‌پردازی دارد.

در هر دو حالت ضروری است که نویسنده، دیگر عناصر داستان را متناسب با زمان مورد نیاز طراحی کند. به عنوان مثال نویسنده یک طنز آیتمی باید به سراغ تیپ‌ها برود و از نوشتن شخصیت برای کارهای پرهیز کند. تیپ‌های متنوع در کارهای چند دقیقه‌ای بسیار خوب جواب می‌دهند و براحتی در ذهن مخاطب می‌نشینند. فیلمنامه‌نویس برای خلق شخصیت باید جنبه‌های مختلفی از روحیات و رفتار فرد را آشکار کند که اجرای



هفته گذشته با حضور رئیس سازمان صدا و سیما در گردشگاه شبکه نسیم کار خود را رسماً آغاز کرد. نگین بهمنی - مقام - جام جم

این ماموریت در زمانی کوتاه امکان‌پذیر نیست. مخاطب نیاز دارد واکنش شخصیت را در بستر حوادث مختلف ببیند تا با درونیات او آشنا شود.

نوسان بازیگران بین نقش یک و سیاهی لشکر

بازیگران در کارهای غیرسریالی کمتر دچار تنش می‌شوند. در این گونه طرح‌ها، بازیگران بسیاری فرصت حضور در نقش‌های اصلی را پیدا می‌کنند. یک بازیگر ممکن است در قسمت‌های مختلف در نقش‌های اصلی ظاهر شود و طعم نقش یک بودن را بچشد. این بازیگر در بخش‌های دیگر نقش‌های کوچک‌تر را با جان و دل می‌پذیرد و اظهار مخالفت نمی‌کند. برای همین می‌بینیم در کارهای آیتمی برخی بازیگران مطرح به عنوان سیاهی‌لشکر هم ظاهر می‌شوند؛ صرفاً برای این که به گروه کمک کنند و کار را پیش ببرند. در این گونه طرح‌ها، چهره‌پردازان وظیفه سنگینی دارند. آنها باید یک بازیگر را در طول روز چند بار گریم کنند و او را در شکل‌های مختلف به میدان اجرای نقش بفرستند. طراحان صحنه هم باید چند دکور را همزمان مدیریت کنند تا هر گاه لازم بود، بازیگران روانه یکی از دکورها شوند.

شبکه نسیم قرار است همه برنامه‌هایش را در قالب آیتمی‌های کوتاه و چند دقیقه‌ای به مخاطبان تقدیم کند. شبکه‌ای که شبکه نشاط و سرگرمی نام گرفته است، نمی‌خواهد با زیادگویی وقت مخاطبش را هدر بدهد و حوصله‌اش را سر ببرد. برنامه‌های جدید این شبکه نویدبخش احیای دوباره طنزهای آیتمی است. می‌توانیم امیدوار باشیم که این گونه طنزها در برنامه‌هایی چون خندوانه (رامبد جوان) و عینک آفتابی (رضا رشیدپور) دوباره جان بگیرد و به طور مستمر مهمان خانه‌های مردم شود. در چند سال گذشته برنامه‌هایی چون نوروز ۷۲، پرواز ۵۷، ۳۹، جدی نگیرید، خنده‌بازار و کرکره به دنبال جانداختن قالب طنزهای غیرسریالی در بین مردم بوده‌اند. فعلاً به این نکته کاری نداریم که هر کدام از این برنامه‌ها چه توفیقاتی کسب کرده‌اند. مساله اصلی این است که چراغ تولید طنزهای آیتمی همیشه روشن نمانده و گاه کم‌نور و خاموش شده است. شبکه نسیم با رسالتی که برای خودش تعریف کرده، می‌تواند این چراغ را روشن نگه دارد.



شبکه‌ای برای نشاط و سرگرمی

برنامه‌های شبکه نسیم در زمانی کوتاه توانست نشاط را به مخاطب منتقل کند

رضوان اناری

شبکه ۲۱، شبکه نسیم طی مراسمی در استان کردستان و در کنار دریاچه زریوار به طور رسمی افتتاح شد. عزت‌الله ضرغامی، رئیس رسانه ملی هم در جمع اهالی کردستان حاضر شد و خیال مردم را راحت کرد که برنامه‌های شبکه نسیم فقط برنامه‌های شاد و پرطراوت است.

عنوان شبکه نسیم از چهار کلید -واژه نشاط، سرگرمی، یادها و مسابقه تشکیل شده است و طبق گفته حسین کریمی -مدیر شبکه نسیم- قرار نیست از شبکه نسیم فیلم‌ها، سریال‌ها و برنامه‌هایی با زمان زیاد پخش شود. هدف از پخش برنامه‌های کوتاه مدت این است که بیننده در فرصتی کوتاه برنامه‌های شاد و مفرح را تماشا کند، به اصطلاح خستگی‌اش را پای تلویزیون در کند و با روحیه‌ای بهتر و بانشاط‌تر به کارهای روزانه‌اش رسیدگی کند.

برنامه‌های این شبکه در زمان‌های ۱۰ دقیقه‌ای تعریف شده، بنابراین در زمانی کوتاه می‌تواند نشاط را به مخاطب منتقل کند.

شبکه نسیم از پانزدهم مهر ۹۲ و با محوریت طنز پخش آزمایشی خود را آغاز کرد. این شبکه در ابتدای کار دو ساعت طی شبانه روز پخش داشت و برنامه‌هایش را تکرار می‌کرد؛ شبکه نسیم قرار بود خیلی زودتر از اینها به شکل رسمی افتتاح شود، اما به گفته مسئولان شبکه، مردم به قدری از این شبکه استقبال کردند که بر این اساس رئیس سازمان صداوسیما و همچنین مسئولان سازمان پیشنهاد دادند این شبکه علاوه بر پخش برنامه‌های تامینی، یکسری برنامه‌های تولیدی هم داشته باشد.

به همین دلیل ما در این مدت مشغول آماده‌سازی یکسری برنامه‌های تولیدی بودیم و همین مساله باعث شد افتتاح رسمی این شبکه تا این حد به تأخیر افتد.

تاکید شبکه نسیم بر این است که هیچ وقت این شبکه مثلا سریال کم‌دی پخش نکند، بلکه بخش‌های ویژه و کم‌دی از فیلم‌ها، سریال‌ها و حتی برنامه‌های گفت‌وگومحور و ترکیبی را انتخاب کند و آنها را به نمایش بگذارد.

تعامل با مخاطبان

البته تعامل با مخاطبان هم در شبکه نسیم جایگاه ویژه‌ای دارد، به طوری که به گفته کریمی بخشی از برنامه‌های این شبکه را آثاری تامین می‌کند که مردم برای ما می‌فرستند. ما در این شبکه، طریقه تصویربرداری با دوربین‌های خانگی و موبایل‌های پیشرفته را به مردم آموزش می‌دهیم و طریقه بارگذاری (آپلود) را هم به مردم آموزش می‌دهیم تا آنها بتوانند تصاویر شاد و امیدبخش از موقعیت‌های مختلف زندگی مثل مراسم عروسی، جشن تولد، سفر، موفقیت فرزندان در اجتماع و مدرسه و دانشگاه، اتفاقات جالب و دیدنی روزمره را که از تلویزیون کشور ما قابل پخش است برای نمایش از شبکه نسیم ارسال کنند.

حالا شبکه نسیم با این اهداف راه‌اندازی شده تا مخاطبان روی دستگاه‌های دیجیتال خود، ۲۱ شبکه را قابل دریافت داشته باشند. این شبکه هم اکنون خیلی از چهره‌های مطرح رسانه ملی را دور هم جمع کرده است تا آغاز خوبی برای نسیم باشد.

رامبد جوان، بهنوش بختیار، رضا رشیدپور، منصور ضابطیان و اسماعیل آذر از جمله هنرمندانی هستند که با برنامه‌های خندوانه، عینک آفتابی، آبرنگ، مزه، شب کوک، هاونگ، شوخ‌طبعی و مسابقه بادبادک‌ها به شبکه تازه افتتاح شده نسیم می‌آیند تا به این شبکه در آغاز پخش رسمی‌اش رونق دهند.

پیشنهادهای شبکه نسیم در عین بازخوردهای مثبتی که از هنرمندان و مردم داشته با پیشنهادهایی هم از سوی آنها مواجه بوده است. به عنوان مثال، هنرمندانی چون اسماعیل عقیقه و منصور ضابطیان تأکید داشته‌اند شبکه نسیم و سایر شبکه‌های تازه تاسیس باید از پخش برنامه‌های تکراری پرهیز کنند تا بتوانند مخاطبان بیشتری را به خود جلب کرده و باعث بالا رفتن سطح رضایت مردم از این شبکه شوند.

محسن چگینی، تهیه‌کننده سریال‌هایی مثل «پژمان» و «ساختمان پزشکان» پیشتر به روابط عمومی معاونت سیما گفته است: اتفاقی که در این چندساله افتاده است، هجوم شبکه‌های فارسی‌زبان است که از طریق ماهواره‌ها برنامه‌هایشان پخش می‌شود.

این شبکه‌ها رقیب خیلی جدی برای تلویزیون هستند و عملاً بخشی از بینندگان تلویزیون مشتری

این شبکه‌ها هستند. شرایط نیز با سابق کاملاً فرق کرده است، وقتی شبکه تماشا یا نمایش شروع کرده‌اند و سریال‌های تکراری پخش کردند توانستند مخاطب بگیرند، به نظرم این مدیران سازمان را ترغیب کرد شبکه‌های دیگر هم راه‌اندازی کرده و تخصصی‌تر نسبت به این شبکه‌ها برخورد کنند.

چگینی همچنین درباره پخش سریال‌های تکراری به دست‌اندرکاران رسانه ملی و شبکه نسیم هشدار داده و گفته است: این همان معضلی است که این شبکه‌ها ظرف چند سال آینده به واسطه تکراری‌بودنشان پیدا می‌کنند، چون تولیداتی که تلویزیون دارد به اندازه‌ای نیست که این شبکه‌ها را پوشش دهد. باید تولیدات بیشتری داشته و هدفمندتر باشد. برنامه‌های مختلفی با سلیقه‌های مختلف در شبکه‌های دیگر تولید شود که باید یک مقدار تخصصی‌تر شوند. می‌شود این شبکه‌های تخصصی را داشت، اما باید برنامه‌های مهم برای آنها تولید کرد. نمی‌شود دائم تکرار کرد و به تکرار افتاد.



رامین ناصر نصیر - بازیگر و کارگردان سریال‌های طنز - هم با اشاره به راه‌اندازی شبکه نسیم عنوان کرده است: وجود چنین شبکه‌ای با محوریت طنز خیلی خوب و لازم است؛ چرا که به هر حال گروه‌های مختلفی در جامعه نیازمندی‌ها و گرایش و علایق متفاوتی دارند و اگر چنین شبکه‌ای بتواند به تمام علایق جواب بدهد خوب است.

او هم مخالف تکرار است و تأکید می‌کند: تکرار برنامه‌های سال‌های قبل، نیاز مخاطبان را تامین نمی‌کند.

البته مدیران شبکه نسیم هم از این که تکرار برنامه‌های گذشته به سود مخاطب نیست، آگاهند و

می‌دانند باید به سمت تولید بروند تا بتوانند مخاطب را به خود جلب کنند. تعداد زیاد برنامه جدید یک شبکه تازه تاسیس هم گواه همین اشراف به نیاز مخاطب است.

نسیم شبکه نشاط است

کریمی -مدیر شبکه نسیم- در این باره گفته است: شبکه نسیم، شبکه نشاط و طنز است و پخش برنامه‌های تکراری مانند این است که بخواهیم یک لطفه را بارها و بارها برای مردم تعریف کنیم. ممکن است یکی، دو دفعه اول به لطفه ما بخندند، اما بعد از آن زده می‌شوند؛ بنابراین شبکه‌ای مانند نسیم باید برنامه تولیدی داشته باشد.

او با تأکید بر این که شبکه نسیم، شبکه تامینی نیست، خاطر نشان کرد: همواره بخشی از برنامه‌های این شبکه از میان انبوه فیلم‌ها و سریال‌های داخلی و خارجی تامین می‌شود، قصد داریم برای این شبکه برنامه‌های شاد و متنوع تولید کنیم. در ابتدا برای یک ساعت برنامه تولید می‌کنیم و در ادامه آرام آرام به این زمان افزوده خواهد شد.

نکته دیگری که مدیران میانی و کلان رسانه ملی نباید از آن غافل باشند، همپوشانی شبکه‌های مختلف است که در نهایت به بار تخصصی بودن شبکه‌های تازه تاسیس سیما ضربه وارد می‌کند.

اسماعیل عقیقه، تهیه‌کننده سریال‌های پرمخاطبی چون «مدار صفر درجه» و «زمانه» هم بر این امر تأکید می‌کند و با اشاره به لزوم تعریف تخصصی شبکه‌ها و نبود همپوشانی آنها می‌گوید: از شبکه‌هایی که هدفمند راه‌اندازی شدند، می‌توان به شبکه ورزش و سلامت اشاره کرد که تعریف خاصی برای خود دارند و برنامه‌های خود را در این راستا تولید می‌کنند. ولی سه، چهار کانال تعریف مشخص ندارند.

این شبکه‌ها ابتدا از آی فیلم شروع شد، بعد تماشا که به‌طور واحد یک هدف را دنبال می‌کند. به گونه‌ای که ابتدا همه سریال‌ها را آی فیلم پخش کرد، بعد تماشا، بعد نمایش.

از این‌رو ضروری است شبکه‌های مثل نسیم با توجه به این‌که تعریف اختصاصی خود را دارد، عملکردی مجزا و قابل تفکیک نسبت به شبکه‌های دیگر داشته باشد تا در عین حال که هویت مستقلی به خود و مخاطبانش می‌دهد، بتواند در راستای ریل‌گذاری‌های صورت گرفته برای این شبکه عمل کند.

البته باید توجه کرد در امر تخصصی کردن شبکه‌ها بخصوص در حیطه برنامه‌های نمایشی و همپوشانی برخی شبکه‌ها، آغاز راه چندان دور از انتظار نیست. با این حال به مرور زمان و با ارائه نقشه راه و حرکت در این راستا، هریک از شبکه‌ها می‌تواند مسیر مجزایی طی کرده و به تعریف و هویت مستقلی دست پیدا کند. البته این امر بر مبنای مدیریت کلان رسانه تعریف می‌شود و این ریل‌گذاری باید با کار کارشناسی و به صورت هدفمند انجام شود.

با وجود این، شبکه نسیم که با محوریت نشاط، سرگرمی، یادها و مسابقه راه‌اندازی شده، تعریف و مسیر حرکت نسبتاً مشخصی دارد. همین تعریف نسبتاً شفاف می‌تواند به یکی از نقاط قوت این شبکه تبدیل و باعث شود شبکه نسیم با ادامه برنامه‌سازی در همین چهار مقوله، بتواند مخاطب زیادی را به خود جلب کند.

حالا یک هفته‌ای می‌شود شبکه نسیم راه‌اندازی رسمی شده و خانواده تلویزیون جمهوری اسلامی ۲۱ نفره شده است. شبکه نسیم هم با تمام انتقادات و پیشنهادها، کار خود را رسماً آغاز کرده است، اما پاسخ به این سوال که شبکه تماشا با برنامه‌هایی مثل خندوانه، عینک آفتابی، آبرنگ، مزه، شب کوک، هاونگ، شوخ‌طبعی و مسابقه بادبادک‌ها تا چه حد می‌تواند در دل مخاطبان رسانه ملی جا باز کند و خود را در کنار ۲۰ شبکه دیگر و البته رقبای رسانه ملی مطرح کند، نیازمند زمان بیشتری است تا عملکرد شبکه نسیم، هم از نگاه اهل فن و هم از نگاه مخاطبان این شبکه شفاف‌تر شود.

داستان یک «انقلاب زیبا»

رکسانا قهقرایی

سر زدن به پشت صحنه سریال‌های در حال تولید آن هم در شرایطی که این روزها شمار آنها شاید به انگشتان دو دست هم نمی‌رسد، خالی از لطف نیست. انقلاب زیبا مجموعه جدید شبکه یک سیماست که به تهیه‌کنندگی رامین عباسی‌زاده و کارگردانی بهرنگ توفیقی از دوم اردیبهشت کلید خورده است.

در این سریال که به قلم حامد عنقا همزمان مراحل نگارش خود را هم پشت سر می‌گذارد، آتیلا پسیانی، شقایق فراهانی، آزاده صمدی، فریبا کوثری، مجید مظفری، علیرضا کمال‌نژاد و... به ایفای نقش می‌پردازند.

انقلاب زیبا داستان شخصیتی به نام جابر است که پس از سال‌ها دوری از وطن خود بازگشته و زیبا دختر خود را با یادآوری خاطراتی آزاردهنده همراه می‌کند. صبح پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت است که به محل تصویربرداری مجموعه تلویزیونی انقلاب زیبا می‌روم. البته انتخاب این نام به گفته کارگردان سریال هنوز کاملاً قطعی نشده است. ساعت حدود ۱۰ و ۳۰ دقیقه است. ترافیک چندانی نیست و خیلی زود خانه مورد نظر را پیدا می‌کنم. مقصد، خانه‌ای ویلایی در خیابان کامرانیه است. خانه‌ای بزرگ با حیاطی سرسبز و سرپوشیده از درختانی که بوی بهار می‌دهند. در خانه باز است و سکوت بر فضای میانی حیاط حاکم است. تعدادی از هنروران با لباس‌های سیاه یکدست در گوشه‌ای از حیاط نشسته‌اند. یکی از آنها سمت دیگری مشغول خواندن متنی است.

به داخل خانه می‌روم. پیش از این هماهنگی‌های لازم را با مهدی بدرلو مدیر تولید کار انجام داده‌ام. از راهروی خانه می‌گذرم. گروه مشغول ضبط سکانس‌های عزاداری هستند. همچنین شقایق فراهانی و نوش آفرین رحمانی در این سکانس بازی دارند. در سالن نشیمن منتظر می‌مانم تا ضبط این بخش به پایان برسد. گروه از ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه صبح کار خود را آغاز کرده‌اند و تاکنون علاوه بر تصویربرداری در این خانه تصاویری را هم از بیمارستان طوس و یک بازداشتگاه ضبط کرده‌اند. چیدمان خانه و مساحت آن نشان می‌دهد که شخصیت‌های محوری داستان نمایندگانی از طبقه ممتول جامعه‌اند. خانه‌ای که با همین عنوان هم در توضیح صحنه از آن یاد شده است. کاغذ دیواری‌هایی کرم رنگ دارد. میلمان با زمینه رنگی مشابه در یکی از سالن‌های آن چیده شده است و چند راهرو اتاق‌های مختلف این خانه دابلکس را به هم وصل می‌کند. چهره بهرنگ توفیقی را می‌بینم که با دقت به روند تصویربرداری نظارت دارد.

«بهار» شخصیتی مهربان و دلسوز است

پس از پایان برداشت سکانس مذکور با نوش آفرین رحمانی که اولین تجربه بازیگری خود را پشت سر می‌گذارد، گفت‌وگو می‌کنم.

او که در رشته معماری تحصیل کرده است، درباره نقش بهار توضیح می‌دهد:

بهار فردی مهربان و دلسوز است. خیلی هوای زیبا را دارد. آشنای قدیمی و صمیمی اوست. برای زیبا اتفاقاتی می‌افتد که بهار را نگران می‌کند. زیبا، تک‌فرزند خانواده است و در مقاطعی از زندگی‌اش نیاز به یک دوست و همراه دارد و حالا بهار به او کمک می‌کند و در کنارش است.

همچنین خطراتی زیبا را تهدید می‌کند که بهار تلاش می‌کند زیبا از آنها در امان بماند. بهار از خواهر به او نزدیک‌تر است. زیبا به حرف‌هایش اعتماد دارد و از طرفی بهار هم همه سعی‌اش را برای کمک به او به کار می‌گیرد.

وی درباره نحوه پیوستنش به این کار بیان می‌کند: من مقابل یکی دیگر از کارگردانان تست بازیگری دادم. آن تست مورد قبول واقع شد و بعد به آقای توفیقی معرفی شدم. ابتدا قرار بود نقش دیگری را بازی کنم و بعدها نقش زیبا برای من در نظر گرفته شد. پیش

بیننده کم‌کم و در روند داستان به شخصیت و روحیات او پی می‌برد و بیشتر به واسطه همکاری که با پلیس دارد، او را می‌شناسد.

روز، داخلی، سکانس ۱۶۹

پس از پایان صحبت‌هایم با رحمانی گروه مشغول آماده کردن صحنه برای ضبط سکانس ۱۶۹ می‌شوند. این بخش در آشپزخانه تصویربرداری می‌شود و شقایق فراهانی و آزاده صمدی در آن بازی دارند. دوربین در جای مناسب کار گذاشته می‌شود. صدابردار صدا را



از این سابقه تئاتر یا تلویزیون نداشته‌ام. دوره بازیگری هم ندیده‌ام اما همیشه در دوران مدرسه در فعالیت‌های تئاتری مشارکت می‌کردم.

وی در توضیح بیشتر ویژگی‌های نقش می‌گوید: نقش بهار به روحیه خودم نزدیک است و از این نظر می‌توانم آن را بهتر درک کنم. در حال حاضر بر زندگی زیبا و اتفاقات زندگی او تمرکز شده، اما ممکن است در ادامه به زندگی بهار هم وارد شویم. تا همین جا هم

چک می‌کند. بازیگران لباس‌هایشان را عوض می‌کنند. لباس‌ها عموماً تیره است. چراکه قرار است سکانس‌های برداشتی در این جلسه به مرگ پدر زیبا و روحیات و حالات او پس از این واقعه مربوط باشد. برداشت سکانس بعدی شروع می‌شود.

زیبا مقداری میوه را در ظرف چیده و روی صندلی می‌نشیند. مانیا مقابل او نشسته است. زیبا می‌گوید: یه وقت‌هایی به سرم می‌زنه این خونه رو بفروشم و برم



یه جای دیگه. مانیا: چه فرقی داره. این ذهن آدمه که باید عوض شه.

زیبا: آخه من دوره‌های خیلی سختی رو توی این خونه گذروندم.

مانیا: اما روزای خوب هم داشتی، مگه نه؟! و به این ترتیب باقی دیالوگ‌ها بین آنها رد و بدل می‌شود.

پس از یک بار تمرین ضبط اول کات داده می‌شود. کارگردان دستور تکرار می‌دهد. بار دوم از صمدی



می‌خواهد کمی نقش زیبا با انرژی‌تری به نظر برسد. زیرا چند روزی از غم او گذشته است و حالا روحیه‌اش را تا حدودی به دست آورده. در نهایت یکی از برداشت‌ها مورد قبول قرار گرفته و فرصتی دست می‌دهد تا با کارگردان سریال گفت‌وگو کنیم. ساعت ۲۰ و ۱۱ دقیقه است.

روایتی حرفه‌ای، مدرن و غیرخطی

بهرنگ توفیقی که پیش از این کارگردانی سریال مسیّر انحرافی را هم برعهده داشته است، در ابتدا توضیحاتی درباره نام تازه‌ترین اثر در حال تولیدش بیان کرده و می‌گوید: راستش را بخواهید هنوز نام سریال کاملاً قطعی نشده است. طی صحبت‌هایی که در آینده خواهیم داشت، بالاخره نامی قطعی برای کار انتخاب می‌شود. به نظرم انقلاب زیبا نامی است که به کار مربوط می‌شود. زیرا هم زیبا شخصیتی اصلی داستان ماست و هم این که ماجرای سریال تا حدی به ماجرای انقلاب هم برمی‌گردد.

او می‌افزاید: این نام دو پهلوست و همچنین مفهومی استعاری را هم در برمی‌گیرد.

این کارگردان همچنین خاطر نشان می‌کند: من از اسفند کارگردانی این پروژه را برعهده گرفتم. وقتی آقای بدرلو مدیر تولید کار با من تماس گرفتند و پیشنهاد کار را مطرح کردند و فهمیدم که رامین عباسی‌زاده تهیه‌کنندگی آن را برعهده دارند، بسیاری از مسائل و دغدغه‌ها برایم حل شد. چراکه می‌دانم ایشان تهیه‌کننده‌ای هستند که کیفیت و خروجی کار برایشان اهمیت زیادی دارد. این تصویری بود که پیش از همکاری از ایشان داشتم و وقتی هم به گروه پیوستم



وقتی کارگردان

فیلمنامه را می‌خواند تصویری نسبت به نقش‌ها پیدا می‌کند که همزمان بازیگر متناسب با آن هم به ذهن او می‌آید. ممکن است یک سری ویژگی‌ها بین بعضی از بازیگران مشترک باشد و وقتی من از این مشخصه‌ها نام ببرم شما بگویید می‌توانستید فلان بازیگر را هم انتخاب کنید. آنچه که من را برای انتخاب خانم صمدی به عنوان بازیگر نقش زیبا مجاب می‌کرد لحن و صدای ایشان بود. با دوستانم هم مشورت کردم و باز هم به ایشان رسیدم. همچنین سایر بازیگران هم با این نگاه و رویکرد انتخاب شده‌اند. برای مثال آقای پسیانی از جمله بازیگرانی هستند که من معتقدم به لحاظ حسی از عهده یک نقش بخوبی بر می‌آیند. آقای مظفری را هم از سال‌ها پیش می‌شناسم. حدود ۲۰ سال قبل در اولین کارم به عنوان دستیار کارگردان در کنارشان حضور داشتم. حضورشان در این سریال برای ما کمک بزرگی است. این دومین تجربه همکاری‌ام با ایشان است که من آن را کارگردانی می‌کنم. پیش از این فیلمی با نام دومینو کار کردیم و ایشان در آن کار بازی می‌کردند. با خانم فریبا کوثری و خانم شقایق فراهانی همکاری نداشتم که خوشبختانه این فضا هم فراهم شد.

داستانک‌هایی که به قصه

اصولی می‌پیوندند

کارگردان مسیر انحرافی درباره زمان پخش سریال هم می‌گوید: زمان پخش سریال هنوز مشخص نیست اما اساساً قصه‌های پرتعلیق حامد عنقا این کشش را دارد که بتوان در فصل‌های مجزا آن را تعریف کرد. شاید شبیه به سریال قلب یخی که خود او هم آن را نوشته بود. البته نمی‌توان نام این فرم را فزیندی گذاشت. اما اگر فصلی بودن در این سریال اعمال شود، پایانی زیبا برای فصل اول رقم زده می‌شود که برای بیننده کشش و جذابیت داشته باشد و او ادامه سریال را هم دنبال کند.

قصه‌های این سریال بی‌ربط با هم نیستند. ما یک خط سیر اصلی را دنبال می‌کنیم که در مسیر آن به اصطلاح داستان‌های فرعی هم ایجاد می‌شود. این داستانک‌ها در جایی به داستان اصلی پیوند می‌خورند. داستان انقلاب زیبا قصه شخصیت‌هاست. ممکن است از آنها تاریخچه‌ای ببینیم و به اوضاعشان در گذشته برگردیم.

انقلاب زیبا را مناسبی نمی‌دانم

شقایق فراهانی بازیگر نقش مانیا در گوشه‌ای از حیاط خانه نشسته است. فرصت استراحتی کوتاه برای گروه اعلام شده است. در این فاصله به سراغ او می‌روم تا درباره ویژگی‌های نقشش با هم گفت‌وگو کنیم. خودش درباره همکاری‌اش با کارگردان جوان سریال می‌گوید: شاید بیش از ۱۰ سال است که به‌رنگ توفیقی را می‌شناسم. همه نسبت به آینده کاری ایشان نگاه و پیش‌بینی خوبی دارند من هم همین‌طور، اما علت اصلی حضورم در این کار و آنچه مرا بیشتر برای پذیرفتن بازی در این سریال ترغیب کرد، حضور حامد عنقا به عنوان نویسنده بود. با توجه به تجربه خوب نگارش ایشان در سریال قلب یخی و این که آن کار را هم دنبال می‌کردم - هرچند متأسفانه پایانش مشخص نشد - دوست داشتم که در یکی از کارهای این نویسنده بازی کنم. در واقع دلیل اصلی بازی‌ام در انقلاب زیبا همین بود.

وی همچنین درباره آخرین فعالیت‌های خود می‌گوید: در حدود شش فیلم بازی داشته‌ام که هنوز اکران نشده‌اند. بازیگر سریال مادرانه در پاسخ به این که چقدر قصه و مسیر داستانی این کار به ماجرای انقلاب اسلامی پیوند می‌خورد، می‌افزاید: خود من این کار را مناسبی نمی‌دانم و چنین فضایی را از آن برداشت نمی‌کنم.

این بازیگر در واکنش به این نظر که این روزها کمی کم‌کارتر شده است چنین بیان می‌کند: من معمولاً وقتی کسی این سوال را می‌کند از او می‌پرسم مگر همیشه باید یک بازیگر را در کارهای مختلف روی آنتن دید و هر وقت کانال را عوض می‌کنی با نقش‌آفرینی او مواجه شوی؟ من هم کم‌کار نیستم. سال گذشته

گاهی به آثار تلویزیونی صورت می‌گیرد، مجزا دانسته می‌شود: یک بازیگر خوب می‌تواند با یک کارگردان خوب همکاری کند و بدرخشد و همان بازیگر در کار دیگری با کارگردانی نامناسب و متنی ضعیف کارش را زیر سوال ببرد. به نظر من برخی انتقاداتی که گاهی به کیفیت سریال‌ها صورت می‌گیرد چندان به بازیگر مربوط نیست.

بازیگر مجموعه کلاه پهلوی همچنین اضافه می‌کند: ما سریال‌های قدیمی و فاخر بسیاری مانند سرداران، امام علی (ع) و... را در کارنامه سریال سازی مان داشته‌ایم. بنابراین نشان داده‌ایم که می‌توانیم در این عرصه موفق باشیم. بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که سیاستگذاری در تولید و پخش آثار خوب بسیار تعیین‌کننده است. ضمن این که دستمزد بازیگران به موقع پرداخت نمی‌شود. به این علت انگیزه چندان برای بازیگر باقی نمی‌ماند. همیشه این تردید وجود دارد که بالاخره دستمزدی به او پرداخت می‌شود یا نه؟! در شرایطی که امنیت مالی برای بازیگران وجود ندارد چنین خروجی بعید نیست و همین می‌شود که بعضی از آنها ترجیح می‌دهند با مراکز و کارهای خصوصی‌ساز همکاری کنند.

مردم خواستار تماشای واقعیت‌اند

فراهانی همچنین به برخی از ممیزی‌ها گلایه می‌کند و می‌گوید: یکی دیگر از دلایل هم به ممیزی‌ها برمی‌گردد. برای مثال قرار است یک مهمانی طاغوتی در سریالی تاریخی به تصویر کشیده شود و خط قرمز این است که زنان و مردان در بخش‌های جداگانه در مهمانی شرکت داشته باشند. آیا این برای نمایش مهمانی‌های طاغوتی برای بیننده قابل باور به نظر می‌رسد؟! قطعاً مردم هم نمی‌خواهند پای برنامه‌هایی بنشینند که آن را فاصله‌دار از واقعیت می‌بینند.

چند سال است که سطح آگاهی عمومی مردم جهان بالاتر رفته است و این سیر باشتاب ادامه دارد. به همین دلیل فکر می‌کنم دیگر زمان پخش سریال‌ها به صورت هفتگی سر آمده است. آنقدر اطلاعات و داده‌هایی که مردم در طول روز دریافت می‌کنند، زیاد شده است که ممکن است پخش هفتگی باعث شود کار به اصطلاح از دست مخاطب در برود. با پخش روتین موافق‌ترم. همه چیز در دنیا سرعت پیدا کرده است. امروزه



بسیاری از افراد سریال‌های حتی طولانی‌قسمتی را هم طی چند روز به طور کامل می‌بینند. شاید یکی از دلایلی که باعث شد کلاه پهلوی آن طور که باید مخاطب جذب نکند هم همین بود.

مصاحبه من با شقایق فراهانی در حالی به پایان می‌رسد که گروه همچنان مشغول آماده کردن فضا برای ضبط سکانس‌های بعدی هستند و حالا قرار است در جلسه شانزدهم تصویربرداری انقلاب زیبا بیش از ۱۰ سکانس برداشت شود.

سریال مادرانه را از شبکه سه روی آنتن داشتم که پربیننده‌ترین سریال ماه رمضان بود و کلاه پهلوی هم از من پخش شد و پخش آن هم مدت زیادی طول کشید. سال گذشته هم پرکارترین بازیگر سینما شدم. اگر قرار باشد مردم و مخاطبان تلویزیون بازی یک بازیگر را در هر کاری ببینند که دلزده می‌شوند. فراهانی همچنین عملکرد بازیگران را از انتقاداتی که

نیازمندی‌های ضمانت‌نامه

کافی‌ناپ
سفره‌خانه سنتی
شهر هنر VIP
روبروی تئاتر شهر
عابین گوجه سرمد و پشن
طبقه سوم

رستوران خورشید
آماده عقد قرارداد
با شرکت‌ها
۰۹۱۲۳۳۰۷۳۱۷
۰۲۱-۷۷۱۲۱۰۱۰

موسسه تهیه و توزیع غذای طبق
محدوده میرداماد و ظفر
۰۲۶۶۰۰۱۹۲۴

گستار زنده
گوسفند و گوساله
مجید
۰۹۱۲۲۷۲۲۵۲۷

فروشگاه شادی
عرضه‌کننده برندهای مطرح
لوازم آرایشی و بهداشتی
۰۸۱۱-۲۵۲۷۳۲۰

عطر و ادکلن مهدی
۰۹۳۳۲۹۵۳۸۶۶
۰۹۳۳۲۹۵۳۸۶۶

عمل جراحی لازم نیست
معاینه دینگ کمر و ستابک
۰۲۶-۳۳۳۰۸۶۲۶
۰۹۳۳۹۱۵۰۹۵۹

فروشگاه ایران بدگ
(کلرینز)
لوازم بدنی اصلی پژو و پیراید
۰۸۱۱-۲۷۳۵۵۸۸
۰۹۱۸۳۱۳۹۰۴۸

فروش اتومبیل
مزدا ۲۱۰۰ سفید، فایر، کامپو، پشیره
رنگ دار، مدل ۹۰
۰۹۱۲۴۰۴۷۵۱۷
ابراهیمی

فروشی
خوراک کبوتر، گلشنیک
مدل ۱۹۸۷، فنی، بندنه سالم
تاکفیل، بیمه داخلی، زنگنه
تولیدی سالم بدون تعصیر
۰۹۱۲۴۰۴۷۵۱۷

کالای برق علیان
تهیه و توزیع
انواع لوازم برق صنعتی
فشار قوی و ضعیف
انواع سیم و کابل برق
روش‌های
فروش انواع ترانس‌های
تصویری، درب‌های
آلومینیوم
دوربین‌های مدار بسته
۰۹۱۲۶۱۱۵۱۹
۰۲۱-۳۳۹۸۴۰۶۶

بورس سیم و کابل
تعمیرات سیم و کابل
کابل‌کشی تهران
راد افشان سیم و کابل کابل
لانهزار جنوبی، پاسارگاد
پلنگ ۲۹۸
۰۲۱-۳۳۹۰۸۴۱۱
۰۲۱-۳۳۹۰۸۴۰۸

تودوزی احسان
دوخت روغنی
چادر دوزی
ماشین‌های سنگین
۰۹۱۳۱۶۲۴۰۱۸

جرتیل اطلس
انواع جرتیل
سبک و سنگین
۰۹۱۲۱۲۵۶۶۸۲

جرتیل ابوالفضل
انواع جرتیل
سبک و سنگین
۰۹۱۲۲۱۵۳۴۰۲

خدمات سیم‌کشی ساختمان
یوسفی
۰۹۳۰۹۱۷۴۱۷۰

خدمات لوله‌کشی آب و گاز
مقدم
۰۹۱۲۸۰۹۴۳۶۲

نمایندگه اتومبیل مهدی
خرید و فروش
انواع اتومبیل سفر و کارکرده
۰۹۱۲۵۰۰۷۰۳۹
۰۲۱-۷۷۵۰۱۸۱۸
۰۲۱-۷۷۵۰۴۰۵۰

انومیل گرایه گاندی
۰۲۱-۸۸۷۷۲۲۲۵
۰۲۱-۸۸۷۸۲۰۲۲

نشر طرحان
چاپ و نشر آثار شما
با مجوز رسمی از وزارت
فرهنگ و ارشاد اسلامی
با هزینه مناسب
۰۲۱-۷۷۶۳۷۴۵۰

فتو تکثیر مهرداد
ترجمه متون، کلیه خدمات
فنی، پایان‌نامه
۰۳۶۲-۴۳۴۲۳۲۱

صحنای بزه
صحنای پایان‌نامه و کتب فنی
فنا-کوب - تیب و حرفه‌ای
در سریع وقت
۰۸۱۱-۲۵۲۱۸۷۶

طراحی گرافیک
مخدرتاری
کتب، مجله و نشریات
۰۹۱۸۷۱۳۱۴۲۷

آموزش خصوصی
فراگانه - ریاضی - فیزیک
مقطع راهنمایی
۰۹۱۹۸۳۵۷۸۲۹

فروشگاه موبایل گادوس
۰۲۱-۷۷۶۸۱۰۱۸-۱۹

فوم بتن آناهه
با صد هزار متر نمونه کار
۰۹۱۲۶۲۰۸۷۸۲

فروش آهن آلان نهدوست
۰۹۱۲۱۰۹۶۰۴۰
۰۲۱-۵۵۴۴۶۰۴۰

لوله‌کشی آب تیموری
۰۹۱۲۴۵۰۵۳۹۳

ابزار آلان حسین
فروش انواع پیچ و مهره
رنگ‌ساختان
۰۳۶۲-۴۳۴۴۱۳۷
۰۹۱۲۶۲۵۳۶۳

املاک الهیه
خرید و فروش
۰۲۱-۲۲۰۵۶۰۱۰

شرکت مینگران
طب پردیس مرند
۰۴۱۱-۴۳۶۵۰۷۱

سیسا آوا
پوشش تصویری از
همایش‌ها و سمینارها
ساخت انواع فیلم مستند
و آموزشی، ساخت انواع
تیزرهای ریل و انیمیشن
عکاسی صنعتی و تبلیغاتی
از محصولات و محیطه
۰۹۳۹۶۳۵۹۰۴۱
۰۹۱۲۶۳۵۹۰۴۱

آر بس
ساخت فرم‌های نمایشگاهی
سازمان‌های پیش‌ساخته
مکان‌های نمایشگاهی
۰۹۱۲۶۱۸۷۷۳۲

خدمات ساخت کابینت ام دی اف احسان
ساخت انواع کابینت، کمد
کمد دیواری و ...
۰۹۱۹۲۸۹۲۱۳۸

فروشگاه کویر یادرد
انواع سنگ تراورتن
گرانیت، مرمریت
کاشی و سرامیک و
فوم بتن
۰۹۱۲۲۵۹۰۹۸۲
۰۹۱۲۶۸۰۱۵۳۵
۰۲۱-۵۵۸۸۶۵۱۱

فروش آه‌آلان
۰۹۱۲۱۰۹۶۰۴۰
۰۲۱-۵۵۴۴۶۰۴۰

تولیدکننده میز صندلی و تخت فلزی مقدم
۰۹۱۲۸۱۰۲۰۰۳

انومیل گرایه گاندی
۰۲۱-۸۸۷۷۲۲۲۵
۰۲۱-۸۸۷۸۲۰۲۲

ور امین
تقدیم خواجه‌بخش جوادآباد
زمین کشاورزی ۶ هکتاری
پکیج‌خانه با سند ۶ دانگ
تسهیلیت موهبت‌هایی
با سند رسمی زمین با برق و گاز
فوری فروشی
۰۹۳۷۳۱۵۹۴۶۵

خادم آباد شیراز
فواره باغچه ۱۰۰۰ متری
(شهر باغ از گل) ۷۰
میلیون فروشی
۰۹۱۲۱۰۷۰۶۳۰

اطلاعه فروش زمین و دامداری
به صورت ویژه در ور امین از
متر تا ۵۰۰ متر تا ۳۳۰۰ متر
متر با سند ۶ دانگ آب، برق
گاز و تلفن، عالی گاهی
۰۹۱۲۱۱۴۳۸۷۸

مرزداران - ناهید
آپارتمان
۱۳۰ متری شیک
۳۰ خوابه، نوساز
۰۹۱۹۴۳۱۲۹۵۰

جنت آباد شمالی
۳۰۰۰ متر زمین، خیابان جریانی
تهران، قوی آماده لوکس
۷۰ متر یک طبقه
۳۰ رهن + ۷۰۰ اجاره
۰۹۳۰۱۴۰۶۲۸۳
گلوه

استانیترین منطقه تهران
شیراز شمالی، شعبه‌های شمالی
۳۳۵ متر ۳ خوابه، برج باغ
فول امکانات، سند ۶ دانگ با
ویوهای منظره‌ای وسیع
قول امکانات ۳ پارکینگ
۰۹۱۲۳۶۸۸۱۵۱
نگینار

آبشار، ابتدای بهار شیراز
فروش ۳ واحد ملک
با سند اداری، طبقه همکف با
قابلیت تفریح ۱۱۱ متر مربع
طبقه زیرزمین با حیاط
۱۱۰ متر مربع
۰۹۳۹۲۰۰۹۵۲۰

جنت آباد شمالی
۹۶ متر، طبقه ۴
موقعیت اداری، ۴ خوابه
(فروش فوری)
۴۴۸۷۳۳۲۳
۰۹۱۹۹۰۰۲۷۹۹

فروش آپارتمان
۵۰ متری، تکواحدی
۷ طبقه، چهار شیراز
۷۷۶-۲۳۱۷

تلفن‌های پذیرش آگهی
۰۲۱-۲۲۰۳۳۷۶۳۰-۳
۱۸۸۳

گرچ، محمدشهر
۱۴ هکتار زمین
فروش بدون واسطه
۰۹۱۲۱۶۹۷۸۳۷

املاک پردیسان (مطلبه)
مرکز گرچ ۳۶۰۰ متر کاربری
تجاری - اداری، موهبت‌هایی
۰۹۳۵۶۰۴۹۵۵۳
انصاری

گرچ، بین کردان و نیرانند
مختص خدمات راهی شهری
با چیلنگ اتصالاتی CNG و
۳۳ مانه مغازه
تعمیرات و ۳۰۰ میلیون تومان
۰۹۱۹۱۶۲۵۶۲۸
۰۹۱۲۳۳۵۳۸۷

صفادشت گرچ
زمین به مساحت یک هکتار
بهمراه سند قطعی
۰۹۱۲۶۸۰۲۹۷۰
۰۹۱۲۵۴۸۸۷۶۹

جاده جالوس
تیلوستر ۱۲، ۳۰ قطعه زمین
۵۰۰ متری، چهار دیواری،
سنددار ۳ کله با آب و برق
فروش با معاوضه
۰۹۱۲۵۶۷۵۹۶۵
پرویزگر

کلاردشت (فروش ویلا)
۱۰۰۰ متر زمین با مرمتان خوب
۲۵۷ متر بنا، فولتکسی، شیک
فول امکانات، سند ۶ دانگ با
چشم‌انداز بی‌نظیر، فروش با
معاوضه یا گیرش در تهران
۰۲۱-۲۲۰۱۴۹۳۳
۰۹۱۲۱۱۴۹۶۸۹

محمودآباد
۳۰۰ متر زمین، ۱۴۰ متری
آب، برق، گاز - آکزیون
معاوضه یا اتومبیل
۰۹۱۲۴۱۹۸۰۱۹

سرزمین اردبیل (بهترین کیفیت)
۹ واحد ۷۵ متری با امکانات و
متریان عالی فراتر از منطقه با
۳۰ میلیون وام
پکیج و کاشی
۰۹۱۲۲۱۰۹۸۹۰

گرمسار
گوداری ۵۰ راسی پرواری
۱۳۰۰۰ متر زمین
با ۱۸۰ میلیون وام
۰۹۱۲۲۶۲۶۳۲۵
۰۹۳۹۲۶۲۶۳۲۵

تلفن‌های پذیرش آگهی
۰۲۱-۲۲۰۳۳۷۶۳۰-۳
۱۸۸۳

SAEED INTEX
فروش انواع لوازم
سادی اینتکس در
گرچ سعید اینتکس
عروسک، استخر، توپ،
تخت، مبل، اسباب‌بازی
کتابچه، قابی، بازی، وان
حمام، تشک
بامدیریت سعید غلامزاده
www.karajintex.com
www.saeedintex.com

مدیریت
۰۹۱۹۷۹۴۳۲۳۴
۰۲۶۳۳۲۲۸۳۷۳
تعمیرات
۰۹۳۷۷۶۸۵۷۴۹
۰۲۶۳۳۲۲۶۹۵۲۵

دستگاه گسائوناتور
awa3D
با پروپ، صورت و بدن و یک
تعمیرات با خدمات پس از فروش
مداربا - فوری - فروش
۱۳ میلیون
۰۹۱۲۳۱۳۹۵۲۹
جهانی

سخت‌افزار
نرم‌افزار
ویندوز در محل
۳۳۱۸۲۴۸۴

فروش انواع کولرگازی
ال‌جی، سامسونگ، اجرال
میتسوبیسی، اینورتر و
مهمانی با ضمانت‌نامه
ارسال به تمام کشور
www.coler.ir
۰۹۱۸۲۷۴۰۸۰۰
۰۹۱۸۵۷۴۰۸۰۰

جوشکار CO2 ماهر
نیازمندیم
بنده + قووق و مزایا مگنی
(خفیفت روز + شب)
جده سولید همراه آتزان
کارخانه ۳۳۱۲۳۱۲
۰۹۳۵۴۱۸۹۱۲۳۳
پرویزگر

یک واحد تولید نان
فروشی در شمال کشور با
شرایط بسیار عالی با معاوضه
۰۹۱۱۱۸۲۲۲۶۷
مطلبی

تلفن‌های پذیرش آگهی
۰۲۱-۲۲۰۳۳۷۶۳۰-۳
۱۸۸۳

به یک مدیر
فنی آژانس هواپیمایی
دارای مدرک دوره‌های
مربوطه نیازمندیم
۰۹۱۶۶۱۷۶۷۱۳
۰۹۱۶۶۰۸۷۱۲۱

همایش بزرگ
کنکور یک رفسی
زیست‌شناسی
(آقای کهندل)
۹۳/۰۳/۱۰
۹۳/۰۳/۱۱
۲۴ هزار تومان
فیزیک
(آقای قزوینیان)
۹۳/۰۳/۱۳
۹۳/۰۳/۱۷
۲۴ هزار تومان
ادبیات
(آقای افخمی)
۹۳/۰۳/۱۹
۱۷ هزار تومان
هتدسه
(آقای بیگی)
۹۳/۰۳/۲۰
۱۵ هزار تومان
ریاضی تجربی
(آقای سعیدی)
۹۳/۰۳/۲۱
۱۵ هزار تومان
دیفرانسیل
(آقای سعیدی)
۹۳/۰۳/۲۳
۱۵ هزار تومان
دین و زندگی
(ختم ایتنام)
۹۳/۰۳/۲۵
۱۶ هزار تومان
عربی
(آقای میرافضل)
۹۳/۰۳/۲۶
۱۶ هزار تومان
شیمی
(آقای جعفری)
۹۳/۰۳/۲۹
۱۵ هزار تومان
مشاوره انگیزشی
(آقای میکانیل‌پور)
۹۳/۰۳/۱۱ - ۹۳/۰۳/۲۰
۹۳/۰۳/۲۹
ریکن

ساخت برگزاری نمایش
فروش از ساعت ۱۸ الی ۱۸
لیت‌نام، اینترنتی از طریق وب
سایت www.frajhami.com
برای کسب اطلاعات بیشتر
و یا لیست‌نام غیر اینترنتی با
مدیر سایت آقای دهیان
۰۹۱۲۵۲۵۹۲۷۹ تماس
حاصل فرمایید

درج آگهی نیازهای روزانه شما در ضمانت‌نامه هفتگی روزنامه جام جم
همراه با مسابقه و جوایز ارزنده

تلفن‌های پذیرش آگهی
۰۲۱-۸۸۲۳۸۳۲۴-۷
۰۲۱-۴۲۷۲۱۱۱۰۱۴

تلفن‌های پذیرش آگهی
۰۲۱-۲۲۰۳۳۷۶۳۰-۳
۱۸۸۳

تلفن‌های پذیرش آگهی
۰۲۱-۲۲۰۳۳۷۶۳۰-۳
۱۸۸۳

تلفن‌های پذیرش آگهی
۰۲۱-۲۲۰۳۳۷۶۳۰-۳
۱۸۸۳



کنکاش در رازهای سر به مهر

نگاهی به برنامه مستند «آسمان شب»



مسعود ثابتی

اغلب ادعا می‌شود روش علمی برخورد با امور و محیط زندگی، روشی غیرشخصی، سرد، خشک، بی‌روح و بی‌احساس است.

فرض بر این است که پژوهش‌ها و تحقیق‌های علمی و آزمایشگاهی و تجربی، با عواطف و احساساتی که وجه تمایز انسان با سایر موجودات است، فاصله دارند و نمی‌توانند آدم‌ها را سردوق بیاورند و میل کنجکاوی و عطش آنها به دانستن و یاد گرفتن را همواره مشتعل و بیدار نگه دارند و در عین حال به نحوی جذاب و دوست‌داشتنی به سوالات و کنجکاوی‌های آدم‌ها پاسخ دهند و در یک کلام لذت و شور دانستن و یادگرفتن را به انسان‌ها بیچشانند.

یکی از مهم‌ترین دلایل این مساله آن است که علم نوین از مفاهیمی بسیار تخصصی و تجربیدی که از زندگی روزمره ما بسیار فاصله دارند، بهره می‌گیرد. مفاهیمی که معمولاً در محاورات و تجربه‌های عادی و روزمره کاربردی ندارند و درک آنها برای توده مردم بسیار سخت و حتی در بسیاری موارد ناممکن است.

مثلاً علم در بسیاری موارد در تدوین ایده‌های خود به وفور از دانش ریاضیات بهره می‌گیرد و طبیعی است که فهم دانش ریاضی دور از دسترس بسیاری از مردم است و تنها نخبگان و متخصصان این دانش می‌توانند با زبان ریاضی ارتباط برقرار کنند.

در هر حال، جامعه علمی در اغلب موارد همتی برای آسان کردن و قابل فهم ساختن علم به خرج نمی‌دهد و مردم را محروم از دانستن می‌کند؛ همین است که اغلب نمی‌دانند علم درباره چه چیز صحبت می‌کند، چگونه کار می‌کند، چگونه عمیقاً به دغدغه‌های انسانی می‌پردازد، چقدر هیجان‌انگیز است و تا چه اندازه می‌تواند پیوند میان انسان و طبیعت را تقویت کند.

بعضی دانشمندان معتقدند برقرار کردن ارتباط در این سطح ناممکن است؛ اما عده‌ای دیگر ادعا می‌کنند این کار آسان است، و می‌توان در قالب‌هایی عامه‌پسند برخی اطلاعات و مسائل علمی را به شکلی قابل فهم در اختیار مخاطب گذاشت.

یکی از این قالب‌ها، مستندهای علمی هستند که در سطوح و درجات مختلف و بنا بر میزان درک سازندگان شان از مخاطب‌شناسی و تسلط بر موضوع، می‌توانند سودمند

و مفید واقع شوند.

سلسله برنامه‌های مستند «آسمان شب» که از شبکه ۴ سیما پخش می‌شود، از جمله مستندهای علمی قابل توجه و مفیدی است که از تلویزیون پخش می‌شود و بنا بر ماهیت موضوع، می‌توان آن را از مهیج‌ترین و جذاب‌ترین مستندهایی دانست که در این حوزه، در اختیار مخاطب تلویزیون قرار می‌گیرد.

یکی از نقاط قوت آسمان شب این است که برخلاف مستندهای کم‌مایه و متوسط، سعی می‌کند جزئیات پراکنده و به آسانی قابل توضیح را در سطح یک کل واحد به مخاطب عرضه کند و تصویری از اهمیت، گستره و نیروی نافذ بنای رفیع مفاهیم علمی در اختیار مخاطب قرار دهد. سلسله برنامه‌های «آسمان شب» تلاش می‌کند با طرح وحدت طبیعت و دست به دست هم دادن همه چیز و پیوند نهایی آنها با یکدیگر، از بیگ بنگ تا جهان زنده، مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد.

با تماشای این سلسله مستندها درمی‌یابیم که چگونه خون زندگی طبیعت در سراسر مسیر تکامل ماده، از گاز داغ آغازین تا انبوه مواد و صورت‌های زندگی امروزی جریان می‌یابد. دیدن این مسائل واقعا هیجان‌انگیز است، چراکه هیچ چیز، حتی جذاب‌ترین و خوش‌ساخت‌ترین فیلم‌های علمی خیالی هم به اندازه تاریخچه کائنات چشمگیر و اعجاب‌انگیز نیست. این تاریخچه، طی چند دهه گذشته، به آهستگی در مقابل دیدگان ما نشو و نما می‌کند و در این مستندها تلاش می‌شود از جهالت و محدودیت معرفت ما بر حوادثی که در ژرفای زمان و مکان می‌گذرد کاسته شود و ما بتوانیم از دانستن این که در این نمایش بزرگ هستی، نقش ناظر و حتی بازیگر را داریم، احساس غرور و شغف و در عین حال فروتنی کنیم.

«آسمان شب» به آمیزه مناسب و قابل قبولی از واقعیات علمی و زبان تصویر دست پیدا کرده و سعی می‌کند، علوم طبیعی را آن‌گونه که هست ارائه کند. با تکیه بر تصاویر و موسیقی و گفتار متن مناسب و ملازم با تصویر و موسیقی، روابط، پیوندها، علت‌ها و معلول‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند و ضرباهنگ و ریتم متناسب با درونمایه اثر، مانع می‌شود که گستردگی عظیم فضا و زمان و تغییرناپذیری قوانین طبیعت، سرد و غیرانسانی و وحشتناک به نظر برسد.

در نمایش این تکامل، همه موجودات به هم متصل می‌شوند و انسان‌ها و حیوانات و گیاهان و صخره‌ها و

سیاره‌ها و ستاره‌ها و کهکشان‌ها و گستره پهناور و بیکران فضا، همچون جلوه‌های مختلف یک حقیقت واحد به نظر می‌رسند.

داستان با بررسی کائنات و و محتویات آن آغاز می‌شود. درمی‌یابیم که فضا آنکه از ستارگانی مشابه خورشید منظومه شمسی است و ستارگانی که اطراف ما را گرفته‌اند در کهکشانی جمع شده‌اند که راه شیری نامیده می‌شود. در کائنات میلیاردها کهکشان شبیه کهکشان ما وجود دارد؛ کهکشان‌هایی که در خوشه‌هایی جمع می‌شوند و این خوشه‌ها هم خود ابرخوشه‌ها را شکل می‌دهند. این سازمان منظم و دارای سلسله مراتب، یکی از خصوصیات بنیادی معماری کائنات است. همچنان که در سطح اتم‌ها و در سطح موجودات زنده هم با چنین سازمانی مواجه هستیم.

چیزی که امکان مشاهده جهان را در اختیار ما می‌گذارد، نور است، اما نور فوری منتشر نمی‌شود. در مورد بسیاری از پدیده‌های جالب اخترشناسی، میلیون‌ها یا حتی میلیاردها سال طول می‌کشد تا به ما برسد و این واقعیت عمیقاً بر دید ما از جهان تأثیر می‌گذارد، چراکه آنچه مشاهده می‌کنیم همواره تصاویری از گذشته است. این واقعیت که یکی از اصول اساسی کیهان‌شناسی است و بارها در این برنامه‌ها به آن تأکید می‌شود و بسیاری از مبانی اخترشناسی با تکیه بر این واقعیت مورد طرح و تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد، می‌تواند بر جهان‌بینی

کلی مخاطب تأثیر داشته باشد و نگاه کلی او به پدیده‌ها را تغییر دهد.

واقعیت موکد و بارها تکرار شونده دیگر هم این است که کهکشان‌ها در حال دور شدن از یکدیگرند و جهان مانند بادکنکی در حال باد شدن، مرتباً گسترش پیدا می‌کند. سوال این است که ابعاد این بادکنک تا کجاست؟ این یکی از پرسش‌های اساسی کیهان‌شناسی و مستند «آسمان شب» است که به شیوه‌های مختلف تکرار می‌شود و هنوز پاسخ قطعی و قانع‌کننده‌ای برای آن یافت نشده است. آنچه می‌دانیم، این است که این گسترش حدود ۱۵ میلیارد سال ادامه داشته که معادل سن جهان است.

امروزه می‌توانیم سن ستارگان و اتم‌ها را اندازه‌گیری کنیم و یافته‌ها حاکی است که سن اتم‌ها هم معادل سن ستارگان یعنی همان ۱۵ میلیارد سال است. این گسترش با انفجاری بزرگ (بیگ‌بنگ) آغاز شد که در آن ماده در معرض درجه حرارت و فشار بسیار بالایی قرار گرفت و رادیوتلسکوپ‌ها بقایای گدازه‌های درخشان ناشی از این انفجار را ردیابی کرده‌اند.

بقایای دیگری از این انفجار اولیه نیز وجود دارد. این انفجار، مانند انفجار یک بمب هیدروژنی باعث تولید اتم‌های هلیوم شده که به تعبیری شیشه خاکسترهای آتش‌اند.

رویدادهایی که در جریان این انفجار اتفاق افتاده‌اند، می‌توانند عامل فقدان ضد ماده در کائنات ما باشد. یکی از نکات بسیار مهیج و عجیب در این عرصه - که در این برنامه مطرح شده - امکان سر درآوردن از اوضاع پیش از انفجار بزرگ است؛ این که برای فهمیدن این موضوع باید از «دیوار زمان صفر» عبور کنیم که نه‌تنها در عرصه فیزیکی که حتی در عرصه منطق هم دشواری‌های عجیب و غریب و سهمگینی پیش پایمان می‌گذارد... به هر حال، واقعیت این است که صحبت کردن از آینده آسان است. شاید این گسترش تا بی‌نهایت ادامه پیدا کند، شاید هم زمانی متوقف شود و جهان با پیچیدن مسیری معکوس، وارد دورانی از انقباض و فرورفتن در خود شود. اینها پرسش‌ها و احتمالاتی‌اند که در هر پژوهش اخترشناسی و هر مستندی مثل «آسمان شب» و نظایر آن مطرح می‌شود.

ویژگی و حسن مستندهایی از این دست، آن است که با مطرح کردن کلیات و نگاه به موضوع از منظری بسیار کلی و فراگیر، امکان این را فراهم می‌کند که جزئیات بر بستری از حقیقت و غایت کلی امکان طرح و بررسی پیدا کنند.

مخاطب علاقه‌مند برنامه‌ها و مباحثی از این دست، با پرسش‌هایی مواجه می‌شود (پرسش‌هایی از آن دست که مطرح شد) که نه‌تنها دانش و آگاهی‌اش درباره اخترشناسی و نجوم و کیهان را افزایش می‌دهد که در مسیری فراتر و از رهگذر این علم می‌تواند به بینشی عمیق‌تر و اساسی‌تر درباره مساله حیات و زیستن و زندگی دست یابد. پرسش اساسی و نهایی اخترشناسی و به تبع آن مستندها و برنامه‌هایی مثل «آسمان شب»، مانند غایت هر علم و دانش دیگری، این است که از کجا آمده‌ایم، هدف از آمدنمان چه بوده و غایت و هدف و مقصدمان کدام است و مواجهه با این پرسش‌ها و کلنجار رفتن با آنهاست که تنها راه دستیابی به کمال و بینش و معرفت بشری است.



داستان یک قهرمان نوجوان

«آریو پهلوان کوچک» عنوان یک مجموعه تلویزیونی ایرانی است که یک نسخه سینمایی نیز به نام افسانه سرزمین گوه‌ران از آن تولید شده است.

این انیمیشن در ۲۰ قسمت ۲۰ دقیقه‌ای با تکنیک تلفیقی انیمیشن دوبعدی و سه‌بعدی است که به تهیه‌کنندگی «استودیو سینمایی پارسیما» در مرکز پویانمایی صبا تولید شده است.

مجموعه آریو پهلوان کوچک سال ۱۳۹۰ تولید شده و از بیستم آذر ۱۳۹۲ از «شبکه پویا» پخش می‌شود. کارگردان این اثر مجید شاکری و گروه نویسندگان شامل محمد برومند، محمد نجاتی، آرمان آرین (نویسنده رمان پارسیان و من)، نغمه ثمینی و علی ثمینی هستند. موسیقی این مجموعه توسط هومن نامداری تهیه شده است.

آریو، قهرمان اصلی داستان، پسر بچه بازگوش، باهوش و کنجکاو است که همراه مادر و خواهرش کمندگیس در این شهر زندگی می‌کند. او در کارگاه دیگ‌ساز معروف شهر، کچل دیگی، به شاکردی مشغول است. کچل دیگی آدمی بدجنس و مال دوستی است که به دلیل طمع خود، پنهانی با دیوها ارتباط برقرار کرده و در ازای گرفتن سکه‌های طلا برای آنها دیگ‌های پرنده می‌سازد. آریو به راز کچل دیگی پی می‌برد و قصد دارد، وجود دیوها را به حاکم و مردم شهر اطلاع دهد؛ اما هیچکس حرف‌هایش را باور نمی‌کند.

عاقبت سنگ‌گوه‌ران به دست دیوها افتاده و آنها شهر را تصرف می‌کنند. آریو به همراه دوستانش برای به دست آوردن دوباره سنگ‌گوه‌ران به سمت سرزمین دیوها حرکت می‌کند و در نهایت با به دست آوردن این سنگ به شهر بازگشته و با دیوها رودرو می‌شوند؛ اما...



در این سال‌ها کودکان و نوجوانان ما برای الگوبرداری به دنبال قهرمانان کارتون‌ها و مجموعه‌های غیر ایرانی مثل مرد عنکبوتی، بت‌من، سوپرمن، لاک‌پشت‌های نینجا و بن‌تن هستند که معمولاً همه آنها در صدد نجات مردم کره زمین از دست دشمنان تبهکار زمینی و فضایی‌اند. آریو یک قهرمان ایرانی است که با استفاده از سلاح دانش و هوش خود به جنگ پلیدی‌ها می‌رود و نامش نیز برگرفته از یک قهرمان واقعی آریوبرزن است.

آریو اثری بسیار ارزنده و در خور تقدیر است. از نکات مثبت این سریال می‌توان به پس‌زمینه‌های زیبا، دیالوگ‌های روان و ساده و دوبله خوب این کار اشاره کرد.

خلق یک قهرمان ایرانی و یک افسانه بی‌سابقه و بکر با استفاده از شخصیت‌های افسانه‌های قدیم ایرانی مثل: دیوها، کچل، حاکم، وزیر یا دیگ‌های پرنده باعث شد تا مجموعه آریو پهلوان کوچک بتواند در جشنواره‌های متعددی شرکت کرده و افتخارات بسیاری را برای سازندگان به ارمغان بیاورد. افتخاراتی نظیر: دریافت تندیس طلایی بهترین کارگردانی از «یازدهمین جشن بزرگ سینمای ایران»، در آبان ۸۶، راهیابی به بخش مسابقه فیلم اولی‌های سی و یکمین دوره جشنواره فیلم فجر، برترین طراحی فضا در سومین جشنواره بین‌المللی تلویزیونی جام‌جم.

پریسا کاشانیان

شاید کمتر کسی را سراغ داشته باشیم که بره ناقلا را دیده و با آن ارتباط برقرار نکرده باشد. این مجموعه توانسته است طی سال‌های متمادی مخاطبان گسترده‌ای از کودکان دو ساله تا بزرگسالان را به خود جذب کند.

نگاه تازه به یک داستان قدیمی

بره ناقلا (شان گوسفند) یک سریال انیمیشن تلویزیونی بدون کلام و کم‌دی است که به شیوه استاپ موشن برای گروه سنی کودک و نوجوان ساخته شده است. شخصیت اصلی این برنامه یعنی شان برای اولین بار در فیلم کوتاهی از والاس و گرومیت به نام اصلاح از ته ظاهر شد. این گوسفند به طور تصادفی توسط دستگاه بافندگی اتوماتیک، ساخته والاس مکیده می‌شود و پشم‌هایش چیده و تبدیل به یک لباس پشمی می‌شود. والاس نام او را شان می‌گذارد.

شان بعدها در سال ۲۰۰۲ در سریال «اختراعات بیسکوتی» قسمت «خریدار شماره ۱۳» ظاهر شد تا یک پنبه دایره‌ای خودش را نجات دهد!

محبوبیت این کاراکتر که از موفقیت و فروش محصولات تجاری مربوط به او معلوم بود، سبب شد یک سریال ۴۰ قسمتی براساس او ساخته شود. سری اول مجموعه، سپتامبر ۲۰۰۷ از سوی بی‌بی‌سی و با پخش دو قسمت آغاز شد. تاکنون حدود ۲۰ قسمت از ماجراهای او ساخته و در بیش از ۱۸۰ کشور پخش شده است. پخش سری چهارم از فوریه ۲۰۱۴ آغاز شده است.

در ادامه این سریال کار دیگری با استفاده از کوچک‌ترین گوسفند گله به نام تیمی برای گروه سنی پیش‌دبستانی ساخته شده است. فیلم سینمایی بلندی نیز براساس ماجراهای شان در دست تولید بوده که قرار است در سال ۲۰۱۵ اکران شود.

ماجراهای این مجموعه‌ها درباره شان است که به‌طور غیرعادی باهوش است و در حال حاضر با یک گله گوسفند در مزرعه موزی باتم - که یک مزرعه سنتی شمال بریتانیا است - زندگی می‌کند. در هر قسمت آنها تلاش می‌کنند زندگی یکنواخت خودشان را هیجان‌انگیزتر کنند و معمولاً خودشان را به دردسر می‌اندازند که اغلب به استفاده عجیب و بامزه‌ای از وسایل آقای مزرعه‌دار منجر می‌شود. شان در داستان‌های سریال در مزرعه، رفتار، خلاقیت و هوش انسانی از خود نشان می‌دهد. هر قسمت معمولاً شامل یک موقعیت کمیک است و او باید پیش از تمام شدن آن، قضیه را رفع و رجوع کند.

برخی موضوعات مانند گریز شخصیت‌ها از بیترز، سگ گله بد اخلاق و به نوعی دور زدن او، طوری که مزرعه‌دار نفهمد، گاه به گاه به شکلی تکرار می‌شود. در بعضی از قسمت‌های این مجموعه با فیلم‌های معروفی مثل آرواره‌ها، ادوارد دست‌قچی، راکی و فرار بزرگ شوخی کرده است.



زندگی شاد یک گوسفند

لحظاتی که همه چیز خراب و غرق در ناامیدی می‌شود، یا زمانی که برخی کارهای مسخره و عجیب‌شان او را گیج می‌کند.

او عاشق تکنولوژی جدید است. مانند دیگر کاراکترهای انسانی این سریال، مزرعه‌دار را از دید حیوانات می‌بینیم و حرف‌هایش نیز یکسری خرخر و من‌من به نظر نمی‌رسد. ظاهراً او از این مساله که مزرعه و حیواناتش آن‌طور که طبیعی به نظر می‌رسد، آگاه نیست!

گله: یکسری گوسفند تیبیکال هستند که تمام روزشان به نشخوار می‌گذرد و هنگامی که شان فکر تازه‌ای به ذهنش می‌رسد، بی‌چون و چررا از او اطاعت می‌کنند. آنها از علاقه‌مندان شان، اما کمی خام و ترسو هستند و هوش زیادی ندارند به طوری که گاهی کارهایشان را خراب می‌کنند. وقتی گله در مرکز قصه قرار دارد، چند کاراکتر برجسته می‌شوند.

شرلی: از تمام گوسفندان چاق‌تر است، به طوری که باید از جایی به جای دیگر هل داده شود. او می‌تواند هر چه سر راهش قرار دارد، بخورد. پشم‌های زیاد او محل امنی برای پنهان کردن چیزهای مختلف است.

تیمی: یک بره کوچک و دوست‌داشتنی است که گاهی دچار دردسر می‌شود و در موقعیت‌های خطرناک اسیر می‌شود. او عاشق تدی برها (خرس‌های عروسکی) است و بدون آنها گریه سر می‌دهد. او عاشق پیترز نیز هست و تنها یک دندان دارد!

مادر تیمی: همیشه موهایش بیگودی پیچ شده است و از وظایف مادری‌اش تخطی می‌کند؛ اما هنگامی که فرزندش گم می‌شود - تا زمانی که صحیح و سالم باز نگردد - کاملاً تسلی‌ناپذیر است.

خوک‌های شیطان: در حیاط کنار مزرعه منزل دارند و عامل مخربی در زندگی گوسفندان هستند. بد اخلاق، بدقلق، حریص و بسیار تنبل هستند. آنها هر وقت زمانی می‌یابند، نقشه‌های شان را خراب می‌کنند.

علاوه بر اینها، سریال تعدادی شخصیت فرعی نیز دارد که حضور دائم ندارند و در قسمت‌های مختلف بنا بر اقتضای داستان ظاهر می‌شوند و عبارتند از:

حیوانات: جوجه خروس، مرغ مادر و جوجه‌هایش، اردک، بز، بز ناماشین چمن‌زنی که بدون وقفه می‌خورد، گاو نر، موش کور، زنبورها، خانم بیترز (سگ گله)، پیدسلی (گره تنبل و خودخواه مزرعه‌دار)، قورباغه و موش.

انسان‌ها: پسر پیترز، خواهرزاده مزرعه‌دار، آقا و خانم رملر، مترسک، راننده اتوبوس، مادر بزرگ و مرد صاحب نمایشگاه دام. این مجموعه اپیزودیک سال هاست از شبکه‌های مختلف سینمای جمهوری اسلامی ایران و بسیاری از کشورهای جهان پخش می‌شود و در عین حال که به نظر می‌رسد تاکنون تمام قسمت‌های آن بیش از چند بار تکرار شده است؛ اما جذابیتی بی‌بدیل آن موجب شده تا جزو برترین آثار انیمیشن باشد و همواره قابلیت دیدن مجدد را داشته باشد.

تم این سریال ترکیبی از کم‌دی بز بکوب و کم‌دی صامت در سبک خاص و شناخته شده آرمن است. هیچ دیالوگی حتی میان انسان‌ها وجود ندارد. در واقع سعی شده از غرغر کردن، آه کشیدن و صوت تعجب و واکنش‌های بدون کلام برای نشان دادن رفتارها و اهداف شخصیت‌ها استفاده شود. محبوبیت این شخصیت از عرصه انیمیشن فراتر رفته به طوری که تاکنون چند بازی کامپیوتری از این شخصیت ساخته شده است.

نهم مارس ۲۰۱۱ یک تئاتر کم‌دی موزیکال به نام شوی بزرگشان روی صحنه رفته است. قرار است از شان و شخصیت‌های دیگر این مجموعه در ساخت یک برنامه تجاری برای جام جهانی راگی سال ۲۰۱۵ استفاده شود.

نقد‌های مثبت برای یک مجموعه انیمیشن

طی این سال‌ها نقدها و نظرها درباره این سریال در کل مثبت بوده است. برای مثال «هری و نینگ» روی صحنه می‌گوید: پیش از آن که به خنده‌دار بودن و کم‌دی بز بکوب موجود در فیلمنامه توجه کنیم، کاراکترهای جذاب و انیمیشن باشکوه توجه ما را جلب می‌کند. گاردین می‌نویسد: این سریال، کودکان چهار تا هفت ساله را پای تلویزیون می‌نشانند و می‌خکوبشان می‌کند. چارلز آرتور نیز می‌نویسد: سبک کلاسیک آرمن مرا به قهقهه و می‌دارد. در مجموع نقدها مثبت است و شان میان کودکان و بزرگسالان شخصیت محبوبی است.

معرفی شخصیت‌های اصلی سریال

شان: گوسفندی است که طبیعتی شیطان و کنجکاو دارد که براحتی می‌تواند او را از بقیه گوسفندان متمایز می‌کند. این طبیعت، او را به سمت موقعیت‌هایی فریبکارانه سوق می‌دهد، ولی معمولاً می‌تواند به نوعی خود را از مهلکه نجات دهد.

شان محبوب، مردمی و یک رهبر ذاتی است. یک کاراکتر اخلاق‌گرا که سعی دارد همه چیز را درست کند. **بیترز:** یک سگ گله صبور است که از گله مراقبت می‌کند. بیترز همیشه تلاش می‌کند صاحبش چیزی جز یک گله معمولی نبیند. او تا حدی رفتارهای احمقانه و مسخره را تحمل می‌کند، ولی اگر چیزی از کنترلش خارج شود، وارد عمل می‌شود. بیترز مانند یک سرکارگر عمل می‌کند. او گوسفندان را به طرف مزرعه و خارج از آن هدایت می‌کند و ناهارش چند سان‌دویچ و یک فلاسک چای است. اکثراً خونسرد و بی‌خیال است و همین مساله به حیوانات فرصت شیطنت و ماجراجویی را می‌دهد. رابطه میان بیترز و حیوانات معمولاً دوستانه است و با شان نیز - البته در محدوده وظایفش - بسیار دوست است.

مزرعه‌دار: فردی منزوی و ساده است که به مزرعه کوچک و سگ وفادارش بیترز وابسته است. او کاملاً و به صورت احساسی حرف‌هایش را دوست دارد؛ البته بجز



عصر مختار



دولت



دلبران تنگستان

علی شیرازی

یکی از نخستین و اصلی‌ترین دغدغه‌های مسئولان تلویزیون از ابتدای شکل‌گیری، بحث بر سر نفس پخش فیلم‌ها و سریال‌ها و - در صورت مثبت بودن برآیند نظرها در این زمینه - چگونگی پخش فیلم و سریال از رسانه بوده و هست. بالطبع، هنوز راه نسبتاً درازی تا وارد چرخه نمایش شدن تولیدهای داخلی تازه، باقی مانده بود و در چنین شرایطی همه آنچه از آثار تولیدی در رژیم طاغوت قابل پخش به نظر می‌رسید، درخصوص سریال از انگلستان یک دست و درباره فیلم از انگلستان دو دست فراتر نمی‌رفت. تازه همین آثار هم در نوبت‌های بعدی بازبینی و ممیزی با ابهام‌ها و تردیدهای جدی روبه‌رو می‌شد و انگار چاره‌ای جز در پیش گرفتن نوعی آزمون و خطا به نظر نمی‌رسید.

مثلاً سریال پربیننده «دلبران تنگستان» که با وجود مضمون انقلابی شدت با آرمانخواهی آن روزگار (و در ادامه نیز بروز جنگ تحمیلی و میل عمومی به دفاع از آب و خاک آبا و اجدادی) هماهنگ به نظر می‌رسید، از نوبت دوم به بعد تکرار پخش‌اش دچار جرح و تعدیل‌هایی شد. یا مثلاً دیگر سریال محصول قبل از انقلاب به نام «آقای مطالعه» [ساخته اکبر خواجه‌وی] برخلاف «دلبران تنگستان» [به کارگردانی همایون شهنواز] بعدها به کلی از نمایش خودداری شد. عنوان تنها سریال قابل پخش محصول قبل از انقلاب را تا امروز، دلبران تنگستان، این ساخته خوب شهنواز و روایت مقاومت جانانه دلبران جنوب از آن خود کرده است که مدتی پیش برای چندمین بار از شبکه تماشا به آنتن پخش سپرده شد.

در چنین شرایطی پخش فیلم‌ها و برخی سریال‌ها از تلویزیون از سر گرفته شد. آن زمان، سینماها در کنار برخی آثار قبل از انقلاب و بعضی فیلم‌های جدیدی که دوبله شده و به نمایش درمی‌آمد (نظیر فیلم پرورش و هندی «شعله») در تصرف فیلم‌های سیاسی قرار داشت؛ آثاری که تا قبل از پیروزی انقلاب، تماشای آن بر پرده سینما یا روی صفحه تلویزیون به رویایی دست‌نیافتنی می‌مانست و طبیعی بود که با وجود شور انقلابی سال‌های نخست پس از پیروزی و میل عمومی جامعه به تماشای فیلم‌هایی با مضامین سیاسی و انقلابی، سیل این آثار روانه سینماها شود و برخی آنها به تلویزیون نیز راه پیدا کند.

به این ترتیب، فیلم‌هایی همچون «زد»، «کودتا»، «شب روی شیلی»، «حکومت نظامی»، «اعتراف»، «نبرد الجزیره» [که در بین مردم به اشتباه به «نبرد الجزایر» معرف شده بود و هنوز هم برخی آن را به همین نام می‌خوانند]، «جانبازان فلسطین» [که در واقع نام اصلی‌اش «۴۸ ساعت در مونیخ» بود و با تلاش پخش‌کننده‌اش در دوبلاژ دچار تغییر مضمونی شده و پروانه نمایش گرفته بود]، «محمد رسول‌الله (ص)» [با نام واقعی «الرساله» یا «سالت» یا همان «پیام»]، «نبرد العلمین»، «مدرسه ضدجاسوسی» و بسیاری آثار دیگر، سینماهای ایران را جولانگاه تاخت و تاز خود قرار داد و فروش‌های بالایی را در نخستین مواجهه تماشاگر ایرانی با چنین فیلم‌هایی تجربه کرد. بیشتر این فیلم‌ها بتدریج از تلویزیون نیز پخش و در ادامه بارها و بارها تکرار شد. برخی همچون «مدرسه ضدجاسوسی» و «جانبازان فلسطین» به دلایلی که نمی‌دانیم (مثلاً شاید خریداری نشدن حق پخش این فیلم‌ها که در اختیار بخش خصوصی قرار داشت) تقریباً هیچ‌گاه از تلویزیون به نمایش درنیامد. نکته دیگر این‌که محصولاتی هم از سال‌های دور وجود داشت که - شاید - در رژیم پیشین، حساسیتی را برنمی‌گیختند و در همان سال‌ها دوبله و نمایش داده شده بود. مثلاً (اگر اشتباه نکنم) فیلم «زنده‌باد زاپاتا» شاهکار مشهور الیا کازان جزو این آثار بود که در سال‌های پس از انقلاب هم به سبب مضمون انقلابی و میهنی‌اش، رونقی به سینماها و سپس تلویزیون بخشید و همگان را مجذوب خود کرد.

نکته جالب این‌که تقریباً تمامی فیلم‌های مذکور در مسجدهای هر محله نیز پخش می‌شد (به وسیله آپارات و سپس پدیده‌ای به نام دستگاه ویدئو) و جالب‌تر این‌که کار نمایش خیلی از همین فیلم‌ها به تکرار می‌کشید که

دشواری‌های آغاز راه

بسیاری در تکرار هر باره، مشتری آنها بود.

نکته مهمی که شاید از دید بسیاری که تاریخ آن روزگار را نوشته‌اند پنهان مانده باشد، این است که درصد بالایی از مردم ما اساساً فیلم دیدن را از تاریخ بعد از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ شروع کردند و چندان عجیب نیست که نخستین فیلم‌هایی که این گروه دیده‌اند از جنس همین آثار انقلابی بوده باشد.

البته گاه فیلم‌هایی مانند «تنگسیر» ساخته امیر نادری هم در مسجدها و سینماها به نمایش درمی‌آمد که با هوشمندی سازنده‌اش در رژیم گذشته، به صورتی نمادین، مضمونی را (شامل شوریدن یک مرد جنوبی بر ضد کسانی که به او ظلم کرده بودند) به تصویر می‌کشید و از هر نظر در جرگه آثار انقلابی و مورد پسند روز جامعه به شمار می‌رفت، اما با این همه به جدول پخش تلویزیون راه پیدا نمی‌کرد.

در همان شرایط «ساز ذهنی»، دیگر ساخته قبل از انقلاب نادری، که محصول کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بود، بارها از تلویزیون پخش شد و حالا به شکل یک نوستالژی از آن یاد می‌شود. «ساز ذهنی» به صورتی سمبلیک از سلطه سخن می‌گفت، کودکی که از رفتار و ظواهرش برمی‌آمد از یک خانواده اعیانی باشد با تکیه بر علاقه بچه‌های محروم و همسن و سالش به سازدهنی‌ای که داشت به آنها فخر می‌فریخت. عاقبت «امیرو» قهرمان کوچک داستان، که پیش از همه تحت سلطه او درآمده بود، می‌شورید و سازدهنی را به عنوان ابزار تسلط او بر دیگر بچه‌ها به دریا می‌انداخت. نادری سال‌ها بعد (۱۳۶۴) در فیلم دیگرش «دونده» که اتفاقاً آن هم پس از اکران در سینماها از تلویزیون پخش شد، بار دیگر سراغ «امیرو» (که در اصل، ملهم از کودکی خود فیلمساز بود) رفت و این بار به آوازه‌ای جهانی پیدا کرد؛ هرچند که نادری در ایران نماند و راهش را به گونه دیگری ادامه داد...

دیگر فیلم تولید قبل از انقلاب که آن سال‌ها در جاهایی خارج از تلویزیون فراوان دیده شد، «سفر سنگ» بود. این فیلم، آخرین ساخته مسعود کیمیایی در رژیم پیشین محسوب می‌شود و مشهور است که داستان و مضمونش یک پیش‌گویی عجیب از توفانی بود که می‌خواست اتفاق بیفتد و از قضا چنین نیز شد. عجیب این‌که با وجود فضا و شرایط سال‌های اول انقلاب، «سفر سنگ» می‌توانست جزو نخستین گزینه‌های مسئولان صدا و سیما برای پخش در مناسبت‌های انقلابی و سالگردها باشد، اما این اتفاق تا همین یکی دو سال پیش که فیلم در یک برنامه ویژه و تحلیلی به نمایش درآمد، نیفتاد و «سفر سنگ» پس از حدود سه دهه توانست به تلویزیون راه یابد.

موج دیگری که اوایل انقلاب، بیشتر در سینماها به راه افتاد و کمتر به تلویزیون راه پیدا کرد، هجوم فیلم‌های تولید اتحاد [سابق] جماهیر شوروی به کشورمان بود. عوامل فرهنگی این کشور با سوءاستفاده از فضای خاص و انقلابی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰ می‌کوشیدند با ورود بی‌رویه و واگذاری

ارزان و گاه حتی رایگان فیلم‌هایشان به ایران، بر شرایط فرهنگی ما تاثیر بگذارند که به دلایل عدیده کمتر موفق شدند. تلویزیون نیز فقط برخی آثار برتر سینمای شوروی را (مثل فیلم‌های شاخص هر نقطه دیگری از دنیا) نمایش داد و به این ترتیب پرونده این برنامه‌ریزی هدفمند و گسترده رایزنان «فرهنگی» همسایه شمالی کشورمان به سرعت بسته شد...

با وجود رواج نمایش فیلم‌های انقلابی و نیز با هوشمندی مسئولان وقت تلویزیون و الهام‌گرفتنشان از آنچه در سطح جامعه می‌گذشت، برخی از مشکلات مربوط به پخش نوع فیلم‌ها و سریال‌ها در تلویزیون از سر راه برداشته شد.

در واقع مردم با انتخاب‌هایشان نشان دادند که در آن روزگار چه نوع فیلم‌هایی را می‌پسندند؛ فیلم‌هایی که از قضا کمتر دچار مشکلات ممیزی (از نوع پوشش‌ها و روابط زن و مرد) بود.

در ادامه نمایش چنین فیلم‌هایی، سریال‌هایی مانند «میشل استروگف» و «عزالدین قسام» به همراه دیگر فیلم مصطفی عقاد، کارگردان «الرساله»، با نام اصلی «شیر صحرا» که در تلویزیون به اسم «عمر مختار» نمایش داده شد و به زندگی این انقلابی مشهور لیبیایی می‌پرداخت، گروه دیگری از آثار نمایش داده شده در آن سال‌ها بود. گاهی حتی نمایش همزمان یک فیلم از تلویزیون و سینما مشکلات و شائبه‌هایی را هم پدید می‌آورد که در اصل چیزی نبود جز ناهماهنگی میان تلویزیون و بخش خصوصی. مثلاً درباره «عمر مختار» یا همان «شیر صحرا» گفته می‌شد که یک پخش‌کننده از بخش خصوصی با سرمایه‌گذاری برای این فیلم، تدارک وسیعی برای نمایش‌اش از سینما (با دست‌کم شبکه مجاز ویدئویی که آن زمان در نخستین دوره از فعالیتش در ایران به سر می‌برد) دیده بود.

رونق و پخش (و استقبال عمومی از) فیلم‌ها و سریال‌هایی با مضامین انقلابی و میهنی، به سبب رخداد خیلی سریع و ناگهانی جنگ تحمیلی در دومین سال پس از پیروزی انقلاب، بسرعت با فیلم‌های جنگی پیوند یافت. ضمن این‌که تعدادی از آثار پیش‌گفته [همچون «زنده‌باد زاپاتا»] به خودی خود و به صورت توامان، دارای مضمون و محتوای جنگی - انقلابی نیز بود.

در رویکرد تازه و به روز مسئولان پخش سیما، مراجعه به آرشیو فیلم‌های جنگ جهانی دوم (که آن سال‌ها به فیلم‌های «پارتیزانی» مشهور بودند) در دستور کار قرار گرفت. زمان ثابت و معین پخش «فیلم سینمایی» نیز پنجشنبه‌شب‌ها و عصرهای جمعه تعیین شد.

به این ترتیب و به سرعت، دیدن فیلم‌های سینمایی، به یکی از پربیننده‌ترین برنامه‌های سیما تبدیل شد، اما حکایت مشکلات قبلی و دشواری‌های جدیدی که یک به یک از راه می‌رسید بر سر جای خود باقی بود...

از جمله مهم‌ترین موانع پیش‌رو در راه انتخاب، خرید و پخش فیلم‌ها و سریال‌ها در آن دوره، تفاوت ارزش‌های اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی بود. آن سال‌ها مکرر شنیده می‌شد که مسئولان تلویزیون می‌گویند هیچ کشوری با موازین و ضوابط ما فیلم و سریال نمی‌سازد. ابزارهای اجرایی ممیزی نیز بسان امروز وجود نداشت تا مثلاً برخی نماها را درشت کند و به طریقی جلوی نمایش عریانی کاراکتری را که نقش مهمی در داستان دارد، بگیرد.

تنها چاره یا تغییر روابط و ماجراها در دوبلاژ بود یا به موازات آن حذف‌های جزئی و گاه کلی که شالوده داستان را به هم می‌ریخت.

دیگر مشکل پیش‌رو، بودجه اندکی بود که با توجه به شرایط دشوار دوران جنگ، از هر نظر دست مسئولان انتخاب و خرید برنامه‌ها از کشورهای خارجی را می‌بست. در این شرایط، تنها راه پیش‌رو - یا دست کم موثرترین راه - تولید آثار داخلی با رعایت و در نظر گرفتن ایده‌آل‌های پذیرفتنی، تشخیص داده شد...

«نگاه نقره‌ای» رادیو به مشکلات سینما



نسرین بختیاری

پیام به مخاطب از لحاظ رسانه‌ای بوده است، به هدفمان رسیده‌ایم.

جلوگیری از ریزش مخاطبان

از دهنوی درباره ترفندهایی که برای جلوگیری از ریزش مخاطبان در نگاه نقره‌ای با توجه به گفت‌وگو محور بودن و کمبود موسیقی به کار برده می‌پرسم و او می‌گوید: همیشه موسیقی به برنامه ریتم نمی‌دهد و گاهی دیالوگ به برنامه شما کمک می‌کند؛ یعنی همان طور که محتوا حامل دیالوگ است، گاهی هم دیالوگ به ریتم کمک می‌کند که در نهایت فرم برنامه تثبیت شود. می‌توانیم مهمانان را طوری دعوت کنیم و چیدمان را به گونه‌ای ترتیب بدهیم که با تضارب آراء، بتدریج شنوندگان جذب شوند و ببینند چه اتفاقی می‌افتد.

این تهیه‌کننده رادیویی همچنین در خصوص اهدافی که امسال نگاه نقره‌ای دنبال خواهد کرد، می‌گوید: سال ۹۳ به طور کلی سرفصل‌های برنامه را تغییر دادیم و خوشحالم امسال تا به این لحظه فقط ۵ درصد مهمان تکراری به برنامه دعوت کرده‌ایم. امسال که فرهنگ و اقتصاد با عزم ملی و مدیریت جهادی در بیانات رهبر معظم انقلاب مطرح شده، توجه ما به سمت فرهنگ از زاویه سینماست.

دهنوی در ارتباط با چگونگی انتخاب موضوع در برنامه با توجه به تخصصی بودن بحث‌ها می‌گوید: ما در ابتدای سال ۹۲ برای برنامه موضوع و سرفصل را تا پایان سال انتخاب کردیم و امسال هم همین کار را انجام دادیم. اگر از بحث فرهنگ خارج شویم، اتاق فکرمان آغاز می‌شود و دوباره ۳۰ سرفصل را انتخاب می‌کنیم. موضوع‌های برنامه را فقط من، آقای شهرزاد و مدیر گروه و مدیر شبکه انتخاب می‌کنیم.

وی با اشاره به حذف بخش نقد فیلم در برنامه می‌گوید: قبلاً برنامه روز جمعه و به مدت ۹۰ دقیقه بود و می‌توانستیم نقد فیلم داشته باشیم، اما اکنون زمان ما ۶۰ دقیقه است و به همین دلیل بخش نقد فیلم را حذف کردیم.

تنظیم موج

برنامه «نگاه نقره‌ای» سه‌شنبه شب‌ها ساعت ۲۱ تا ۲۲ به مدت یک ساعت روی موج ۱۰۳/۵ از رادیو گفت‌وگو پخش می‌شود.

می‌خورد. پس از پایان برنامه لحظاتی با وی همراه می‌شوم و در خصوص چگونگی تطبیق نگاه نقره‌ای با شعار مدیریت فرهنگی و جهادی می‌پرسم، او می‌گوید: ما به‌خلاف مدیریت جهادی در عرصه فرهنگ و هنر و غفلت از این موضوع در جریان سازی سینما پرداخته‌ایم. همواره در این سینما با فقر اندیشه و فقدان نقشه استراتژیک روبه‌رو بوده‌ایم و هر مدیری که زمام امور را به دست گرفته، سلیقه خودش و جریانی را که به آن وابستگی داشته، دنبال کرده است. از این رو، سینمای ما طی این سال‌ها، مسیر رو به رشد واحدی را طی نکرده و با افت و خیز بسیاری روبه‌رو بوده است. ما در نگاه نقره‌ای به دنبال کشف زوایای پنهان این مسائل هستیم.

شهرزاد مهم‌ترین ویژگی نگاه نقره‌ای را جریان سازی و دوری‌گزینی از پخته‌خواری می‌داند و درباره آن توضیح می‌دهد: ما منتظر نمی‌شویم مطالب و اخبار مطبوعات، خبرگزاری‌ها و دیگر رسانه‌ها را عیناً تکرار یا منعکس کنیم؛ بلکه تلاش می‌کنیم خودمان تولیدکننده اخبار باشیم. علاوه بر این، خلأها را بررسی کرده و معضلات را ریشه‌یابی می‌کنیم تا بویژه در حوزه‌های فکری و نظری سینما، جریان سازی و آفرینش فکر داشته باشیم.

اهمیت دادن به نظریه پردازی بومی

این منتقد در خصوص رویکرد به نظریه‌پردازی بومی در نگاه نقره‌ای بیان می‌کند: بزرگ‌ترین ضعف سینمای ما طی تمام این سال‌ها، فقدان نظریه بومی بوده است و ما به نظریه فیلم و اهمیت آن در مطالعات مربوط به سینما و رویارویی آن با علوم انسانی بی‌توجه بوده‌ایم. این تنها چیزی است که می‌تواند سینمای ما را نخست به هویت در خور بومی سپس به اعتبار جهانی برساند.

متأسفانه در این زمینه هم با کوتاهی مراکز فرهنگی و غفلت مدیران و متولیان فرهنگی مواجه بودیم. سینمای ما از همان ابتدا به پخته‌خواری و گرت‌برداری خو گرفته و جز معدود رفتارهای خودجوش، به نظریه بومی و هویت ملی نزدیک نشده است.

شهرزاد توضیح می‌دهد: تمام تلاش در این برنامه بر کردن این خلأها در حد بضاعت ماست. وقتی جریان نظری شکل بگیرد که سلیقه مخاطبان را با تکیه بر هویت فرهنگی بومی ارتقا دهد، خود به خود افرادی که به آن معتقد نیستند، محو یا کم‌رنگ می‌شوند. قطعاً نظریه‌پردازی و پیگیری آن در سینما با تکیه بر مطالعات دینی، تاریخی و جامعه‌شناسانه پیش‌نیاز دارد و آن هم درک درست از وضعیت حال جامعه مخاطبان این سینماست. سینمای ما در فضایی نفس می‌کشد که نسبتی با جامعه ایرانی و انقلابی ندارد.

این منتقد سینمایی در رابطه با رویکرد برنامه و تناسب آن با ژانرشناسی بومی سینمایی اظهار می‌کند: ژانرشناسی بومی به سینما کمک می‌کند تا هویت پیدا کند. ممکن است برخی افراد محدودیت‌ها و ممیزی‌ها را برای ایستایی در وضع نامطلوب بهانه کنند؛ اما معمولاً خلاقیت از دل محدودیت زاده می‌شود. بسیاری از سبک‌های هنری در سینما زاینده محدودیت بوده‌اند؛ بنابراین ما کم‌کاری کردیم. گاهی حتی از آمارهای حداقل هم تنزل کردیم و براساس آمار ارائه شده وزارت فرهنگ و ارشاد، بین سال‌های ۷۲ تا ۹۲ بیش از ۸۰ درصد ریزش مخاطب در این سینما داشته‌ایم. در واقع نگاه نقره‌ای هم این کمی‌ها و کاستی‌ها را واکاوی می‌کند.

وی در پایان با اشاره به مثبت دانستن نقش این برنامه در نظریه‌پردازی اضافه می‌کند: ما مباحثی مانند موج نوب دوم سینمای ایران، سینمای فاطمی، سینمای نقاف، سینمای شهادت و سینمای قرآنی را برای اولین بار در این برنامه مطرح و زوایای آن را نکته به نکته بررسی کردیم. هدف ما تأثیرگذاری در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی کلان سینماست و به نظر می‌رسد، این تلنگر بر سیستم مدیریت سینما به کمک این برنامه وارد شده است.

رادیو، رسانه جریان سازی است و ما نشان دادیم می‌تواند قدرت واقعی خود را پیدا کند. به‌عنوان مثال من سال‌ها قبل پیشنهاد جایزه آوینی را برای فیلم‌های همسو با هویت اشراقی و ارزش‌های انقلابی در برنامه‌های رادیویی به مرحوم سیف‌الله داد ارائه کردم و از آن زمان تا به حال این مراسم سینمایی با اعطای این جایزه برگزار می‌شود.

این تهیه‌کننده رادیویی در ادامه درباره میزان مشارکت شنوندگان در نگاه نقره‌ای عنوان می‌کند: برنامه ما به دلیل گفت‌وگو محور بودن، مخاطب خاص دارد و بسیاری از شنوندگان برنامه ما را می‌شنوند و نظرشان را بیان می‌کنند. به دلیل این که با شنوندگان فریخته روبه‌رو هستیم، ممکن است برنامه تغییر کند. گاهی متوجه شده‌ایم یک موضوع کارایی پرداخت در چند جلسه متوالی را ندارد و به همین دلیل موضوع را تغییر داده‌ایم.

مثلاً درباره بحث سینمای خصوصی یا دولتی به قسمت‌هایی رسیدیم که شنوندگان به طور دائم نظر می‌دادند و مطمئن بودم شنوندگان ما خاص هستند. هیچ وقت مسیر برنامه برای نظر شنوندگان به طور کلی تغییر نکرده است، اما سعی کردیم مسیری را انتخاب کنیم که مورد نظر شنوندگان هم باشد.

از دهنوی درباره چگونگی تمرکز بر روزآمد بودن موضوع انتخابی برنامه می‌پرسم و وی در پایان صحبت‌هایش پاسخ می‌دهد: مساله روزآمد بودن، دغدغه برنامه ما نیست و بیشتر به صورت سرفصلی موضوعات را انتخاب می‌کنیم و مثلاً می‌تواند «سینما از مسیر تا مقصد» را پیگیری می‌کنیم. البته تا حدودی به روزآمدی در حد بررسی جشنواره‌ها می‌پردازیم، اما این جزو اولویت‌های ما نیست. برخی درباره روزآمدی انتقاد می‌کنند، اما پاسخ من این است که شبکه‌های رادیویی دیگر به روزآمدی توجه می‌کنند و اصلاً رسالت نگاه نقره‌ای این نیست.

مباحث میان مهمانان برنامه به اوج خود رسیده و محمد درمنش سه دسته‌بندی متفاوت فیلم‌های عامه‌پسند، جشنواره‌ای و سفارشی برای سینمای ایران قابل تعریف می‌داند و معتقد است در هر سه گونه بشدت انفعال وجود دارد و همه معلول هستند و علت به حساب نمی‌آیند و بیشتر مشکل فرهنگ ما به دلیل مدیریت ناکارآمد فرهنگی است. در مقابل، حجت‌الاسلام سعید اصفهانیان نیز به این گزاره معتقد است که جشنواره فجر که نام فجر را یدک می‌کشد، هیچ نشانه و نسبتی با فجر انقلاب ندارد و تعریف صحیحی از این نوع جشنواره وجود ندارد.

این کارشناس فرهنگی یادآوری می‌کند حوزه فرهنگ ما ساختار و برنامه‌ریزی مشخصی ندارد و دلیل موفقیت هالیوود هم حرکت در چارچوب‌هایی است که برای خودش تعریف کرده است.

لحظات پایانی برنامه با جمع‌بندی و صحبت‌های شهاب شهرزاد مجری، منتقد و مولف کتب سینمایی مختلف رقم

لطفا کمر بندهایتان را ببندید

زهرة زمانی



عصرهای جمعه مشغول چه کاری هستید؟ آگه کار خاصی ندارید شنیدن برنامه عصر گاهی «جمعه‌ها با رادیو» را از دست ندهید. اینجا ساختمان پخش رادیو ایران. وقتی پیچ میکروفون باز می‌شود فاطمه نیرومند با شادی مضاعفی می‌گوید: من می‌گم اردیبهشت، ماه حرف‌های خوبه، طبیعت خوش‌عطر، گل‌های خوش‌رنگ، خبرهای خوب، تو می‌گی...

ابوالفضل آقاخانی در تکمیل صحبت‌های نیرومند می‌گوید: اصلا یک وقت‌ها می‌گم کاش دنیا، همیشه اردیبهشت بود.

نیرومند می‌گوید: به نام تنها یکی و آن یکی هم فقط خدا!

آقاخانی با لحن خاصی ادامه می‌دهد: سلام و نیرومند می‌گوید: به‌به، به‌به عصر جمعه‌تون به خیر.

و این گفت‌وگوی پینگ‌پنگی آرام‌آرام اوج می‌گیرد. در این بین محمد طارمی (تهیه کننده) هم بیکار نیست و با پخش موسیقی‌هایی شاد، تلاش می‌کند فضای شاد کار را حفظ کند، متوجه می‌شوم که ناظری می‌گوید یکی از مهمان‌های برنامه نزدیک استودیوست.

استفاده از موسیقی فرمیک

قبل از این که محمد طارمی موسیقی شاد دیگری پخش کند می‌گوید: امروز چون مهمانان برنامه از اهالی ورزش هستند از ترانه‌های ملی - میهنی استفاده می‌کنم که یادآور پیروزی‌هایشان در میدان‌های ورزشی باشد. یکی از این مهمانان مازندرانی است و من سعی می‌کنم با پخش موسیقی مازندرانی هم حال و هوای این منطقه را برای او زنده کنم.

طارمی که از سال ۶۴-۶۵ تهیه‌کنندگی در برنامه‌های رادیو را با برنامه زندگی در جنگ شروع کرده است می‌گوید: چون برنامه در یک روز تعطیل پخش می‌شود و از آیت‌های متنوع و سرگرم کننده که در تعامل با مخاطب است، تشکیل شده، متناسب با حال و هوای موضوعات موسیقی پخش می‌کنم. او به آیت معرفی مشاغل قدیمی اشاره کرده و ادامه می‌دهد: در این بخش نیز از موسیقی‌های فرمیک که بتواند حال و هوای مشاغل را برساند یا ترانه‌ای که مناسب با این نوع مشاغل است، استفاده می‌کنم.

اجرای موفق در کنار بیان لطایف

وقتی تلفن‌های مردمی پخش می‌شود، ابوالفضل آقاخانی، یکی از مجریان برنامه می‌گوید: بنا به موضوع برنامه، سعی می‌کنم از خاطراتی که برایتان افتاده، تعریف کنم. البته شاخ و برگ‌هایی به آن اضافه می‌کنم که برای مخاطب دلنشین باشد. همچنین از لطیفه یا جمله‌ای فی‌البداهه که مکمل موضوع برنامه است، استفاده می‌کنم که این امر باعث بالا رفتن انرژی برنامه و خود می‌شود. آقاخانی از خانم نیرومند به عنوان استادش یاد کرده و درخصوص پاسکاری خوبی که با وی دارد می‌گوید: با وجودی که اطلاعات و تجربیاتشان بیشتر از من است ولی این فرصت را به من می‌دهد که من از خاطرات و لطایفم بگویم. در کنار خانم نیرومند اجرا کردن برایم مثل آموزش دیدن در دانشگاه است.

او با اشاره به شنونده‌های زیاد برنامه ادامه می‌دهد: اصلا فکر نمی‌کردم این برنامه جای خودش را در دل مردم باز کند.

احیای مشاغل قدیمی در قالب گزارش

سمیه زنجکش، گزارشگر و آیت‌ساز برنامه، که هر بار با گزارش‌های متنوع خود به برنامه رنگ و بوی خاصی می‌دهد می‌گوید: در برنامه جمعه‌ها با رادیو هر جمعه به خانه‌های شنونده‌هایمان می‌رویم و با توجه به موضوع برنامه، سری به شغل‌های مختلف می‌زنم و یا از مردم

در مورد این مشاغل و صاحبان آن سوال می‌کنم که این گزارش‌ها شنیدنی می‌شود.

او به معرفی شغل‌های قدیمی می‌پردازد و می‌گوید: تا کنون سراغ مسگرها که دیگر خیلی در تهران دیده نمی‌شوند، سراغ نانواپی سنگکی که نوستالژی سال‌های طولانی مردم‌اند یا مشاغلی مثل لحاف‌دوزی که تقریباً روبه فراموشی است، رفته‌ایم. اینها را با هر سختی‌ای که هست پیدا و گفت‌وگو می‌کنیم.

می‌پرسیم: عصرهای جمعه بیشتر مردم طالب شنیدن چه گزارش‌هایی هستند؟ می‌گوید: یک بار این سوال را از مردم پرسیدیم. از آنها خواستیم که بگویند دوست دارند از رادیو چه چیزی بشنوند. آنها گفتند هر چیزی که شنیدنی باشد. برای همین بعضی مواقع به دنبال سوز‌های خیلی خاص هستیم، هر چند فکر می‌کنم هر موقعی که ما همقدم و همگام با مردم بشویم، شنیدنی‌تر می‌شویم.

آیت‌هایی جذاب برای شادی مخاطب

فرزانه ناظری، سردبیر برنامه جمعه‌ها با رادیو می‌گوید: نهایت تلاشمان را می‌کنیم که آبروی رادیو ایران را با تهیه برنامه‌ای که فراخور این سن و سال و این همه مخاطب باشد حفظ کنیم.

تلاشمان این است که عصرهای جمعه را به خاطر همان هویت عصر جمعه بودنش که برای بعضی‌ها مقداری دلگیر است، با احوالپرستی از هنرمندان کشورمان یا آنهایی که پیشکسوت هستند یا احیاناً فراموش شدند، کسانی که کمتر کار می‌کنند یا جوان‌هایی که تازه وارد این حوزه شدند و محبوب هستند، به لحظاتی شاد تبدیل کنیم.

ناظری با اشاره به بخش‌های متنوع برنامه ادامه می‌دهد: برای مردم، بخش شهرشناسی و اطلاعات عمومی داریم و برای این که همین آیت‌ها جذاب باشد از ورزشکاران کشورمان و همه آنهایی که مدال آوردند یا گل زدند و آنهایی که محبوب هستند، کمک می‌گیریم. آنها ضمن حضور در برنامه، بخش تلفنی مسابقه را اجرا می‌کنند. هدفمان این است که شهرشناسی و اطلاعات عمومی را با شکل و شمایل جذاب‌تری به مردم نشان دهیم.

فاطمه نیرومند و ابوالفضل آقاخانی هم قسمت‌های نمایش را اجرا می‌کنند. پخش ترانه‌های محلی و بخش ویژه‌تری هست که خودم هم دوستش دارم پیامک‌های مردم است که ما هر هفته این سوال را می‌پرسیم که همین الان کجا بید و مشغول چه کاری هستید. از بین پیامک‌هایی که می‌رسد در هر برنامه سه‌الی چهار تا انتخاب می‌شود و همان موقع به صورت زنده با آنها ارتباط تلفنی برقرار

تنظیم موج

جمعه‌ها با رادیو از ساعت ۱۸ تا ۲۱ عصرهای جمعه از آنتن رادیو ایران پخش می‌شود.

می‌کنیم. جالب این که بیشتر آنها از چوپان‌های کشور و عشایر هستند یا در باغشان از سراسر نقاط ایران، شرق و غرب و شمال و جنوب و مرکز مشغول کشاورزی و دامداری‌اند که پیامک می‌زنند. آنها از سوغاتی شهرشان با ما صحبت می‌کنند و این که به چه صورت می‌توان به شهر آنها سفر کرد و به این وسیله یکسری اطلاعات گردشگری و شهرشناسی در این قالب از برنامه تقدیم شوندگان می‌شود. مضاف بر این ما سعی کردیم فضای برنامه با توجه به این که سه ساعت از وقت مردم را می‌گیرد خسته کننده نشود و دور هم شاد و خوش باشیم.

او با اشاره به تفاوت برنامه‌های عصر گاهی با سایر برنامه‌ها می‌گوید: برنامه عصر گاهی و برنامه صبحگاهی هر دو در زمان‌های حساس یک شبکه رادیویی پخش می‌شوند. در برنامه‌های عصر مردم تازه از کارشان فارغ شده‌اند و به سمت خانه‌هایشان می‌روند و احیاناً در ترافیک مانده و خسته هستند لذا نیازمند برنامه‌های انرژی‌ک و شادند و هم عصر جمعه‌ها که معمولا برای مردم دلگیر است و خیلی‌ها به گشت و گذار می‌روند، سعی کردیم با برنامه‌های شاد و ریتم‌دار شنونده‌هایمان را نگه داریم.

ناظری از ارتباط با مردم می‌گوید: وقتی پیامکی به ما زده می‌شود خودم زنگ می‌زنم ببینم موقعیت گفت‌وگوی رادیویی وجود دارد یا خیر؟ همین که ذوق می‌کنند و خوشحال می‌شوند خیلی لذتبخش است و بعد از این که می‌آیند پشت خط به برنامه و گوینده‌هایمان اظهار لطف می‌کنند و با ذوق و شوق ما را به شهرشان دعوت می‌کنند. مخاطبان اصرار دارند ما حتما در دل برنامه سری به شهرشان بزنیم و معتقدند این که تلفنی به ما بگویند در کجا زندگی می‌کنند و سوغاتی‌هایشان چی هست کافی نیست. می‌گویند باید بیایید و برنامه را از شهر ما پخش کنید جذابیت این کار بیشتر است. همین دعوت‌هایی که صورت می‌گیرد روحیه و انگیزه ما را بهتر می‌کند.

از صداقت تا همراهی با مردم

در فرصتی که ایجاد می‌شود از فاطمه نیرومند می‌خواهم از لحن و بیانی که در این برنامه عصر گاهی به کار می‌برد صحبت کند که می‌گوید: در این روز از این که کنار مردم هستیم لذت می‌برم و البته بودن در کنار کادر و مجموعه برنامه‌ساز جمعه‌ها با رادیو نیز برایم مفرح است.

او ادامه می‌دهد: برنامه جمعه‌ها با رادیو طبیعتاً یک جنگ عصرگاهی بسیار شاد و مفرح و سرشار از سرگرمی برای مردم است، به همین دلیل لحن مجری برنامه باید خیلی شاد و صمیمی باشد.

او درباره ویژگی‌های برنامه می‌گوید: یکی از بخش‌هایی که حقیقتاً دوست دارم ارتباط با مردم است. ما در برنامه‌های رادیویی شاهد ارتباط با مسئولان، هنرمندان، ورزشکاران و اقشار مختلف بودیم ولی این که یک شنونده به صورت مستقیم و زنده می‌آید روی خط ارتباطی و ما می‌توانیم با آنها صحبت کنیم اشتیاق مردم را بیشتر می‌کند و فکر می‌کنم

می‌توانیم اسم آن راهمدلی، صمیمیت یا حس قشنگ با مردم بودن بگذاریم.

او ادامه می‌دهد: آقای آقاخانی جوان بسیار هنرمند و حاضر جوابی هستند که در بخش ارتباط زنده با مردم خیلی قشنگ پاسخ می‌دهند. سعی می‌کنیم این برنامه به سمت و سوی برود که مردم حضور پررنگ‌تری داشته باشند. این بزرگ‌ترین ارزشی است که برنامه توانسته کسب بکند. مردم هم این نیت پاک را دریافت کردند.

نیرومند می‌گوید: تهیه‌کننده به فراخور حال برنامه سعی می‌کند تمام بخش‌هایی را که استفاده می‌کند اعم از موسیقی، گزارش و مطالبی که نویسنده می‌نویسد همه در جهت موضوع برنامه باشد ضمن این که برنامه عصر گاهی آن هم روز جمعه بسیار ویژه و متفاوت باید باشد.

او معتقد است: مردم توقع برنامه شادتری نسبت به برنامه‌های دیگر هفته دارند. تدبیر یک تهیه‌کننده برای انتخاب موسیقی و بخش‌های گزارشگری و خاص و ویژه بر این قرار می‌گیرد که شادی و موسیقی و بخش‌های سرگرمی و مسابقه بیشتری داشته باشیم.

او با بیان این که عصر جمعه فرصت خیلی خوبی است که با هنرمندان و ورزشکارانی که مردم در سریال‌ها و با مسابقات مختلف تصویر و بازی آنها را دیده‌اند آشنا شوند می‌گوید: این که آنان پشت میکروفون رادیو با خصوصیات فردی‌شان بیایند و برای مردم صحبت کنند برایشان جذاب است.

از او رمز و راز موفقیتش را می‌پرسیم که می‌گوید: هر روزی که می‌آیم پشت میکروفون قرار می‌گیرم برای من یک روز تازه است، همان اضطراب روز اول اجرا را دارم. این را خیلی باصداقت و صراحت به شما می‌گویم. برای این که در برنامه‌های رادیویی عموماً و اجرا خصوصاً هیچ وقت انتها و آخری وجود ندارد؛ همیشه برای ما روز اول است، به علت این که هر برنامه رادیویی، مخاطب و مطالب جدید خودش را دارد. به همین دلیل من همیشه قبل از برنامه تمرکز کوتاهی می‌کنم و از خدای خودم می‌خواهم کمکم بکند و آن روزی که دارم برنامه اجرا می‌کنم به من آبرو و توان بدهد تا بتوانم فارغ از تمام مشکلاتی که روزمره ممکن است تک‌تک ما با آن مواجه شویم، انرژی داشته باشیم و من بتوانم با همه توانم آن انرژی را صرف شاد کردن مردم بکنم و این اعتقاد من است.

او ادامه می‌دهد: یک گوینده و یک مجری رادیو، فرق نمی‌کند گوینده - مجری، کارشناس - مجری هر اسمی که ما می‌خواهیم بگذاریم، مسئولیتش این است که در خدمت مردم باشد و به خاطر مردم کارش را درست انجام بدهد. البته به نظرم اجرای یک برنامه رادیویی فراتر از ثبت یک نامه است. چون شما با احساس کار می‌کنی؛ چون شما مخاطبی داری که منتظر است شما به او شادی بدهی. اگر غمی در دلش هست حتی در آن لحظات مقطعی که برنامه شما را می‌شنود غم‌هایش را به فراموشی بسپارد و تو مسئولی و باید زندگی در کارت باشی؛ یعنی در آن لحظه نفست، نفسی باشد که با انرژی مثبت بتواند اوقات خیلی خوبی برای مخاطب فراهم بکند. حتی در روزهایی که به صورت مناسبتی برنامه اجرا می‌کنیم مردم حقیقتاً این است که شما همچنان غرق در احساس آنها باشی تا بتوانند حتی آن حس غم را درک بکنند.

او اضافه می‌کند: اگر یکی شادی اگر توانستی که حس مردم را داشته باشی اگر باید به مخاطب شادی را القا کنی، شادی را دادی اگر باید واقعات اجتماعی را به آنها بگویی و منعکس بکنی چه با غمش، چه با شادی‌اش، چه با زشتی‌اش، چه با زیبایی‌اش مطمئناً مردم می‌پذیرند. مردم از غلو و زیاده‌گویی و حرف‌های بیهوده یا شادی‌های مصنوعی، خوششان نمی‌آید. به هر حال من می‌گویم گوینده باید جزئی از مخاطب باشد.

بعد وقتی یکی شدیم و مخاطب گوینده را پذیرفت و باورش کرد، یک اجرای خوب و یک اجرای باورپذیر اتفاق می‌افتد.



گفت و گو با کالین فارل

تحت تاثیر هالیوود نیستم

کالین فارل، بازیگر سی و نه ساله سینما (متولد سال ۱۹۷۶)، اصلیتی ایرلندی دارد. او که در دوبلین به دنیا آمده، در سال ۲۰۰۰ با درام ضد جنگ «تایگر لند» ساخته جوئل شوماکر سر از هالیوود آورد و خیلی زود به صورت یک بازیگر مطرح در آمد. او برای بازی در این فیلم، جایزه بهترین بازیگر مرد انجمن منتقدان فیلم پوستون را دریافت کرد. با «باجه تلفن» در سال ۲۰۰۱ به شهرت بیشتری رسید و لقب یک بازیگر درجه یک را گرفت. یک سال بعد در کنار بروس ویلیس در «جنگ هارت» بازی کرد و استیون اسپیلبرگ او را برای یکی از نقش‌های مهم و اصلی «گزارش اقلیت» در کنار تام کروز انتخاب کرد. رفتار تند او

با رسانه‌های گروهی، برای مدتی او را به صورت یک بازیگر خبر ساز و جنجالی در آورد. از دیگر کارهای مطرح کالین می‌توان به «در دیول» (در نقش شخصیت منفی قصه)، «سوات»، «پلیس میامی»، «کمدی سیاه و تحسین شده «در بروز»، «دل دیوانه» و «نجات دادن آقای بنکس» اشاره کرد. وی هم اکنون درام دلپره‌آور و پر رمز و راز «تسکین» را آماده نمایش دارد. شبکه نمایش چندی پیش برنامه مرور بر آثار کالین فارل را ترتیب داد و شش فیلم سینمایی وی را به نمایش گذاشت. فارل در گفت‌وگوی اینترنتی زیر درباره جنبه‌های مختلف کاری و فیلم‌های مطرح خود صحبت می‌کند.

آسوشیئد پرس / مترجم: کیکاووس زیاری

در گفت‌وگوهای مختلف بر ایرلندی بودن خود تاکید می‌کنید.

ایرلندی بودن افتخارم است. این بخش مهمی از هویت من به حساب می‌آید. هر جا که می‌روم، آن را همراه خود می‌برم و لحظه‌ای از من جدا نیست.

برای فیلم‌هایتان چقدر تمرینات فیزیکی می‌کنید تا آماده بازی شوید؟

تمرینات آنچنانی نمی‌کنم. به نظر من، یک بازیگر باید همیشه و در همه حال از آمادگی بدنی و جسمانی برخوردار باشد. گذاشتن وقت اضافی برای این کار، مثل تلف کردن وقت است. آماده بودن چیزی است که همیشه باید با بازیگر باشد. به همین دلیل، تعجب می‌کنم که بعضی وقت‌ها از برخی همکارانم می‌شنوم که از نظر جسمانی در حال آماده کردن خودشان برای بازی در فیلم هستند. برای همین است که همیشه وقتی قرار است جلوی دوربین بروم، در آرامش کامل به صحبت و گپ با دوستان و همکارانم می‌پردازم و نگران قرار گرفتن جلوی دوربین نیستم.

زیاد به سفر می‌روید؟

سفر کردن را دوست دارم، ولی هیچ وقت عجله‌ای برای این کار ندارم. در حقیقت، هیچ طرح و برنامه‌ای در این رابطه ندارم. در منزل هیچ نقشه‌ای پیدا نخواهید کرد، اما همیشه دوستانم خودشان برنامه سفر را می‌ریزند و مرا برای آن خبر می‌کنند. برای یک بازیگر سفر کردن چیز بسیار خوبی است. با آدم‌ها، محیط‌ها و فرهنگ‌های تازه آشنا می‌شوی و این مساله کمک می‌کند نقش‌های محوله را بهتر درک کرده و بازی کنی. ولی با این حال، من بسختی خودم را آماده سفر می‌کنم!

نظر تان درباره هالیوود چیست؟

اغوای آن نشده‌ام و تحت تاثیرش قرار نگرفته‌ام. به خدا قسم که راست می‌گویم! البته مهربانی خیلی زیادی به من کرده و مرا پذیرفته است. یک وقت اشتباه فکر نکنید، نمی‌خواهم آدم ناسپاس قلمداد شوم، اما از حضور در هالیوود هیجان زده نیستم و سعی کرده‌ام خونسردی‌ام را حفظ کنم. هر بار که به هالیوود می‌روم، خیلی زود دلم برای خانه تنگ می‌شود و می‌خواهم به آنجا برگردم. جالب است که وقتی به خانه برمی‌گردم، خیلی‌ها از من می‌خواهند داستان‌هایی درباره هالیوود برایشان تعریف کنم.

به فوتبال علاقه خاصی دارید. چرا آن را ادامه ندادید؟

آدم‌ها نمی‌توانند به همه آرزوهایشان جامه عمل بپوشانند. در نوجوانی عاشق فوتبال بودم و می‌خواستم فوتبالیست شوم، اما شرایط مرا به سمت بازیگری کشاند. وقتی بازیگر شدم به خودم گفتم با بهره‌گیری از این حرفه، وارد آن می‌شوم. ولی حرفه بازیگری تمام وقتم را گرفت و دیگر مجالی برای رفتن به سمت فوتبال پیدا نکردم. در حال حاضر، فقط در ایام تعطیل و استراحت با دوستانم فوتبال بازی می‌کنم و بس. فوتبالیست شدن رویا و آرزویی بود که هیچ وقت محقق نشد.

ولی روحیه کنجکاوی و پرسشگری خود را از دست نداده و آن را حفظ کرده‌اید.

دوست دارم جنبه‌های مختلف کار و زندگی را مورد بررسی و مکاشفه قرار دهم. نمی‌دانم چرا بعضی‌ها فکر می‌کنند کسانی مثل من نباید چنین روحیه‌ای داشته باشند. این روحیه در کارم به کمک می‌آید و باعث پیشرفتم می‌شود. بازیگری کمک می‌کند (و اجازه می‌دهد) تا چیزهای مختلف را حس کنم. با این کار، تجربه‌های مختلف انسانی را کسب می‌کنم. اگر حس و حال بهتری دارم و یکسری چیزها را بهتر درک می‌کنم، به دلیل بازیگر بودنم است.

جالب است که از شما به عنوان یک بازیگر منظم اسم می‌برند.

بشدت به نظم اعتقاد دارم. هیچ وقت دیر سر صحنه فیلمبرداری نمی‌روم. می‌توانید از هر کسی که می‌خواهید این موضوع را بپرسید. سن زیادی نداشتم که وارد حرفه بازیگری شدم. ولی همیشه باورم این بود که باید کارهایم را درست انجام دهم. احساس ستاره بودن نمی‌کنم و خودم را یک ستاره بزرگ نمی‌دانم. موقعیتی را که دارم بخوبی می‌شناسم و درباره‌اش اغراق نمی‌کنم. هنوز هم تلاش دارم قدیم‌های درست بردارم و یک بازیگر خوب باقی بمانم. بازیگری مثل جراحی مغز نیست، ولی مشکلات زیاد و خاص خودش را دارد.

مشوق اصلی تان در زندگی و کار حرفه‌ای چه کسی بوده است؟

هر چه هستم و هر چه امیدوارم بتوانم بشوم، ناشی از حمایت‌های مادرم است و باید از او تشکر کنم. در هشت نه سالگی بود که سینما و بازیگران آن را کشف کردم. از همان زمان، مادرم مرا به سینما می‌برد. او خیلی خوب از اشتیاق و علاقه‌ام به فیلم‌های سینمایی خبر داشت و به این علاقه احترام می‌گذاشت.

زمانی بود که رسانه‌های گروهی از برخی عادت‌های خلاف معمول تان گله و شکایت می‌کردند.

من یک مشکل داشتم و آن هم الکل بود. خوشحالم که توانستم آن را ترک کرده و به این ضعف غلبه کنم، اما رسانه‌های گروهی در این رابطه کمکی به من نکردند. من عصبی و پرخاشگر بودم و آنها هم، این موضوع را تیر می‌کردند. متوجه شدم من هم سوژه خوبی برای آنها بودم.

من توانستم بر مشکلاتم غلبه کنم و از این بابت خیلی خوشحالم و حالا براحتی درباره همه مسائل گذشته صحبت می‌کنم و به جوان‌ها می‌گویم سراغ چیزهای بدی که اعتیادآور هستند نروند.

شهرت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

چیزی غریب برایم بود و بسیار دور از دسترس، وقتی به آن دست پیدا کردم، حس می‌کردم چیز بسیار خوبی است، اما با گذشت زمان متوجه می‌شوی باید خیلی دقیق و مراقب باشی. یاد می‌گیری نسبت به آرزوها و خواسته‌هایت دقت بیشتری کنی.

بازی در چه نوع فیلم‌هایی را بیشتر دوست دارید؟

بازی در هر دو نوع فیلم‌های بزرگ و پرخرج و فیلم‌های مستقل و کوچک را دوست دارم. شاید یکی از دلایل این باشد که از کودکی عاشق فیلم و سینما بودم و همه‌جور فیلم را تماشا می‌کردم. حتی دوست دارم در فیلمی مثل «ایندیانا جونز» یا «سرآغاز» لئوناردو دی کاپریو بازی کنم. ولی یک اصل مهم این است که فیلم‌ها باید تماشاچی خود را سرگرم کنند و توانایی انجام این کار مهم را داشته باشند، در عین حال، فیلم‌ها توانایی دارند که توجه بیشتری به شرایط انسانی نشان دهند.

چرا بازی در «باجه تلفن» را قبول کردید؟

فقط به خاطر جوئل شوماکر کارگردان آن. اگر او پشت دوربین این فیلم نبود، بازی در آن را قبول نمی‌کردم. برایم کارگردان فیلم‌هایم اهمیت بسیار زیادی دارد. یک کارگردان خوب و توانا می‌تواند از یک فیلمنامه متوسط، یک کار درخشان ارائه دهد. او در سال ۲۰۰۱ مرا برای بازی در «شورش‌های آمریکایی» انتخاب کرد و سرسختانه بر سر انتخاب خود ایستاد. وی عقیده داشت یک ایرلندی هم توانایی بازی در نقش یک تگزاسی را دارد.

سرسختی و مقاومت او برایم بسیار جالب بود. وقتی فیلمنامه باجه تلفن را خواندم، از بازی در آن ترسیدم، کل قصه در یک فضای کوچک و محدود اتفاق می‌افتاد و کاراکتر من هم در بخش اعظم قصه، در داخل باجه تلفن بود. نگران بودم حاصل کار، تبدیل به یک چیز هجو و بی‌معنی شود. ولی وقتی شوماکر، کارگردانی فیلم را قبول کرد، مطمئن شدم نتیجه کار خوب و قابل دفاع خواهد شد.

بازی در «توتال ریگال» سخت بود؟

از نظر فیزیکی، شخصیت مرا درگیر می‌کرد و صحنه‌های خیلی زیادی بود که در آنها تحرک زیادی داشتم. به خودم گفتم ظاهر این نقش اهمیت خیلی زیادی دارد و نیازی به یک بازی زیر پوستی نیست. تجربه خوبی بود و از آن راضی هستم. بد نیست یک بازیگر هر چند وقت یکبار در چنین نقش‌ها و فیلم‌هایی بازی کند.

درام تاریخی «اسکندر» را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ساخت فیلم با مشکلاتی روبه‌رو شد و هزینه تولید آن از حد متعارف هم بالاتر رفت. نقدهای منفی زیادی هم روی آن نوشته شد. همین مساله باعث شد من هم سوالاتی را برای خودم مطرح کنم، سوالاتی مثل این که من چه کرده‌ام، چه کارهایی می‌خواستم (یا می‌توانستم) انجام دهم. واقعیت این است که همه ما درگیر ساخت این فیلم شده بودیم و نسبت به آن احساس مسئولیت می‌کردیم.

شخصیت آنتونی هاپکینز جمله‌ای در این فیلم دارد که می‌گوید: «ما می‌رسیم، ما سقوط می‌کنیم» این جمله نوعی پیشگویی درباره خود فیلم و سرنوشت آن هم بود. البور استون کارگردان فیلم در گفت‌وگویی اعلام کرد اسکندر فیلمی بود که می‌خواست آن را بسازد. هر فیلمی سرنوشتی متفاوت از فیلم‌های دیگر دارد.

